H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
شنبه | ۲۱ تیر ۱۴۰۴ | شماره ۴۰۹۵
۸ صفحه | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

نگاهی به موضوع سحراندیشی در عرصه سیاست، فرهنگ و ورزش در قرن ۲۱

ساحران همچنان ورد می‌خوانند؟

روایتی از حضور خرافه در سیاست ایران و جهان

ساحران و سیاستمداران از عصر ریگان تا امروز

صفحه ۳

خیال‌پردازی‌های «شاخه زرین» از ادبیات تا سیاست

از جادو تا علم تحولی که از پای نماند

صفحه ۵

از وردخوانی تا انرژی درمانی

آیا می‌توان با جادو یک تیم را قهرمان کرد؟

صفحه ۷

خواب سنگین خودرو در جاده مخصوص

خودرو گران شد؛ چرا؟

افزایش ناگهانی قیمت خودرو در میانه بحران جنگ و کاهش تولید آن در فصل بهار نگرانی مصرف‌کننده را به همراه دارد

صفحه ۲

پرونده فراموش شده موتورسواری بانوان همچنان مسکوت مانده است

موتورسواری با طعم قانون یا سلیقه؟!

رئیس پلیس راهور: بانوان موتور سوار درصورت تصادف مانند بقیه اعمال قانون می‌شوند

صفحه ۶

تکلیف خودروهای آسیب‌دیده در جنگ چه می‌شود؟

وعده دولت، سکوت بیمه‌ها مردم در انتظار

بر اساس قراردادهای بیمه اگر خودرویی در اثر جنگ آسیب ببیند شرکت بیمه هیچ تعهدی برای جبران خسارت ندارد

صفحه ۲

اندر حکایت چهار سوار طلاپوش

ثروت چهار مرد در آفریقا، از دارایی‌های نیمی از جمعیت قاره بیشتر است

صفحه ۴

سرمقاله

این بار خیابان‌ها را به نام مردم بزنیم

یوسف ایرانی
هفت صبح

دکتر سید عطاءالله مهاجرانی یک بار نکته نقضی را فرمودند و آن اینکه «مردم ایران دچار کم حافظه‌گی تاریخی هستند». با اجازه ایشان ادامه‌ای را به این نکته اضافه می‌کنم: «و رجال سیاسی ما حافظه تاریخی ندارند.»

هنوز سطح شهر از پسماندهای جنگ تحمیلی اسرائیل و آمریکا پاک نشده، اما ذهن برخی مسئولین خالی و پاک از آن همه فداکاری و حمایت مردم است. و برای این مدعی نشانه‌های بسیاری است از جمله گران شدن ۱۵ درصدی خودرو، افزایش قیمت بلیت قطار و.... این همه بلاهت غیر قابل باور است.

اما روی سخن من اینجا با دوستان شورای شهر تهران است. تذکری می‌دهم تا شاید تلنگری باشد. در خبرها آمده بود که شورای شهر تصمیم گرفته تا خیابان‌هایی را به نام سرداران رشید و شهید وطن تغییر نام دهد. این کاری بسیار خوب و بجاست، و تقدیر از شهیدان راه وطن بسیار نکو و صحیح است. عمری را خالصانه و بی مزد و منت، فدای آسایش و آرامش ما کردند. اما اینها تنها شهدای این جنگ نابرابر نبودند. پس مردم چی؟ افراد عادی کجا هستند؟ چرا آنها را فراموش کردیم؟ چرا یک خیابان به نام آن کودک دو ماهه نمی‌شود؟ و یا آن آتش‌نشان، سرباز معمولی، راننده آمبولانس، خانواده‌ای که همه اعضایش شهید شدند، پرستار، خبرنگار، زندانی، کادر درمان، عابر پیاده گمنام، ورزشکاران، پیرمرد دستفروش کنار خیابان و... اینها جز یک جان ناقابل دگر چه داشتند؟ که آنرا هم در راه وطن دادند.

یکی از موثرترین ضرباتی که به نقشه نتانیاهو وارد آمد و او را وادار به عقب‌نشینی کرد (البته فعلا)، حمایت و مقاومت مردم بود. او که آمده بود تا با ایجاد بلوا مملکت را از درون به هم بریزد، در اوج بهت و ناباوری به عقب نشست. قدرت حمایت مردم ما و عشق آنها به میهن عزیزمان ایران، به حق از موشک‌های ما قوی‌تر بود و موثرتر.

از همه گروه‌ها و طبقات و تفکرات شهید شدند و من اعتراضی از کسی ندیدم و اگر خشمی بود، در قالب غرور ملی بروز کرد و این خشم به سمت دشمن هدایت شد. مجددا می‌گویم، از هر گروه و بخشی از جامعه شهیدی در راه وطن قربانی شد.

نامگذاری خیابانی به نام مردم عادی کوچه و خیابان، چیزی از غم دل مادر آن کودک دو ماه نمی‌کاهد. پدر خانواده را بر سر کودکانش برنمی‌گرداند، داغ دل دختر بچه مادر از دست رفته را کم نمی‌کند. اصلا هیچ کس به این نامگذاری اهمیتی نمی‌دهد. برای آنها کاری نمی‌توان کرد، جز یک ابراز همدردی. اما این نامگذاری بیشتر برای کشور خوب است، برای ما، برای ملت و برای ایران خوب است. این یک حرکت نمادین است. برداشتن فاصله، آشتی با آنهایی که قهر بودند اما شهید دادند، قهر بودند اما یک تن و یک صدا شدند. قهر بودند و در برابر دشمن مثل اعضای یک خانواده ایستادند. نامگذاری خیابان، پارک، بیمارستان، سینما، و... هیچکس را به آغوش خانواده بر نمی‌گرداند اما نشانه ایست برای بقیه ملت، که ما همه با هم هستیم. یک قدردانی نمادین، یک تشکر ساده از ملت. این نامگذاری، یک یادآوری مستمر است برای همه ما، از مسئولین تا مردم کوچه و خیابان که آنها دشمن همه ما هستند و ما به هر شکل و شمایل و تفکری که باشیم یار هم هستیم و آنها خصم ما هستند.

این حرکت، نشان می‌دهد که دیگر در ذهن یک عده خودی و غیر خودی نیست. مردم ایستادند کنار شما و وقت آن است شما هم یاد بگیرید و کنار آنها بمانید.

البته که ابر جاسوسان موساد در جاهای مختلف نفوذ دارند و سعی می‌کنند تا مانع نزدیک شدن مردم و نظام بشوند، اما این آرزوی مرگ آفرین آنها خواهد بود. مراقب آنهایی باشیم که خیلی پر سر و صدا دم از عشق وطن و انقلاب می‌زنند و مرتب انگشت اتهام به خیانت و دشمنی به سمت دیگران دارند.

مردم آمدند پشت نظام و مملکت ایستادند و دشمن این وطن را شکست دادند و حالا نوبت مسئولین است. این مردم به همه گونه و به هرشکل و توانی یار همدیگر بودند و خواهند بود. یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد.

گزارش

عراقچی، بن‌سلمان، لاوروف، روبیو و ویتکوف همه در حال انتقال پیام‌اند

پشت صحنه شلوغ دیپلماسی و یک دیدار احتمالی

در آستانه گفت‌وگوی احتمالی عراقچی و ویتکوف، رفت‌وآمدهای فشرده‌ای در دالان‌های سیاسی جریان دارد

در دنیای درهم‌تنیده امروز، نمی‌توان درباره ایران سخن گفت بی‌آن‌که سایه روسیه، آمریکا، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس یا حتی اوکراین بر بوم تحلیل سنگینی نکند. مرزهای دیپلماسی دیگر همان خطوط جغرافیایی نیستند و هر دیدار و بیانیه‌ای، به‌ویژه در آستانه گفت‌وگوهای احتمالی میان وزیر امور خارجه ایران و فرستاده ویژه کاخ سفید در هفته جاری، تنها حلقه‌ای از زنجیره‌ای است که از دامنه آن از تهران تا ریاض، از کوالالامپور تا واشنگتن، از تل‌آویو تا مسکو کشیده شده است.

در چنین شرایطی، هر دیدار و هر جمله آن هم از زبان دیپلمات‌هایی که با لبخندهای منجمد و ثابت و زبان رسمی و مبهم سخن می‌گویند نه فقط یک حرکت سیاسی، بلکه حامل پیامی است که می‌تواند نوری هرچند اندک بر صحنه سیاست بین‌الملل بیفکند.

تبادل پیام در فضای گرگ‌ومیش منطقه

از قرار معلوم و بر اساس آنچه ویتکوف در جلسه دیدار با نتانیاهو و ترامپ گفت احتمال دارد گفت‌وگوهای هسته‌ای میان ایران و آمریکا یکبار دیگر از سر گرفته شود. هرچند ایران اعلام کرده است که برای آنکه دوباره وسط مذاکرات با حمله نظامی مواجه نشود تضمین می‌خواهد. در همین فضاست که تحرکات دیپلماتیک شتاب گرفته‌اند. در نخستین حلقه‌های این زنجیره پررمز و راز، شاهزاده خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی، پیش از آنکه یارغار ترامپ به واشنگتن برسد، راهی کاخ سفید شد تا با دونالد ترامپ به گفت‌وگو بنشیند. محتوای رسمی دیدار، کلیشه‌ای به نظر می‌رسید. همان حرف‌های معمول همیشگی که در این دیدار به بررسی تحولات منطقه پرداختیم و بر امنیت و ثبات منطقه تاکید کردیم. اما در لایه‌های زیرین، موضوع ایران، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه با رژیم اسرائیل، حضوری پررنگ داشت. به ویژه آنکه بن سلمان، که برادر ولیعهد قدرتمند عربستان است، همچنین با استیو ویتکوف، نماینده ویژه کاخ سفید و پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا نیز دیدار کرد که نشانه‌ای از تلاشی هماهنگ برای تنظیم مجدد روابط منطقه‌ای بود.

گویند خالد بن‌سلمان بلافاصله پس از دیدار با مقامات آمریکایی با رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران تلفنی تماس گرفت. که باز هم در این گفت‌وگوی تلفنی آنها روابط دفاعی دوجانبه بین دو کشور، تحولات منطقه و تلاش‌ها برای حفظ امنیت و ثبات منطقه را بررسی کردند!

چند روز بعد، سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، وارد ریاض شد و با شاهزاده جوان سعودی دیدار کرد. محتوای رسمی این دیدار نیز آکنده از کلیات دیپلماتیک بود. اما عراقچی با صراحت از جنایت نابخشودنی سخن گفت و عربستان نیز با زبانی مشابه از قانون‌شکنی خطرناک اسرائیل یاد کرد. موضع‌گیری مشترک ایران و عربستان علیه اسرائیل بی‌تردید حامل پیامی به کاخ سفید و ویتکوف بود. ایران و عربستان، به‌خوبی می‌دانند که چگونه در بزنگاه‌های حساس از ادبیات مشترک برای انتقال پیام استفاده کنند.

ماجرای دیدارها در کوالالامپور

در میانه این تحرکات منطقه‌ای، یک دیدار دیگر نیز اهمیت دارد و آن گفت‌وگوی سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، با مارکو روبیو، همتای آمریکایی‌اش، در حاشیه اجلاس وزرای خارجه آسه‌آن در کوالالامپور است. در نگاه نخست، این دیدار شاید بیشتر درباره اوکراین به نظر برسد. اما لاوروف و روبیو، نه‌تنها درباره اوکراین بلکه برای مناقشه هسته‌ای ایران گفت‌وگو و توافق کردند تماس‌های مستقیم و بدون مانع میان مسکو و واشنگتن احیا شود.

این نکته از آن جهت اهمیت دارد که ترامپ نیز وعده داده سخنرانی مهمی درباره روسیه ایراد خواهد کرد. ترکیب این تحرکات دیپلماتیک از یک‌سو و فضای سیاسی واشنگتن از سوی دیگر، نشان می‌دهد که گفت‌وگوی لاوروف و روبیو، بخشی از یک صحنه‌آرایی وسیع‌تر در آستانه مذاکرات احتمالی ایران و آمریکاست.

ویتکوف: لحظه دیدار نزدیک است

استیو ویتکوف، فرستاده ویژه ترامپ، پس از دیدار با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به خبرنگاران گفت که «دیدار با ایرانی‌ها خیلی زود اتفاق خواهد افتاد، شاید همین هفته». این اظهار نظر، گرچه با احتیاط بیان شد، اما بسیار معنادار بود. ویتکوف پیش از آن نه‌تنها با نتانیاهو، بلکه با بن سلمان، وزیر دفاع عربستان و مقامات قطری نیز دیدار کرده بود. قطر نیز در همین روزها هیأتی به کاخ سفید فرستاده بود و چند ساعت با مقام‌های ارشد آمریکایی درباره تحولات منطقه گفت‌وگو کردند.

این حجم از دیدارهای فشرده، آن‌هم در یک بازه زمانی کوتاه، از نوعی هماهنگی پشت‌پرده حکایت دارد. کوشش برای آماده‌سازی صحنه، جمع‌آوری نظرات متحدان منطقه‌ای، ارزیابی دقیق واکنش‌های ایران و سپس آغاز گفت‌وگویی که اگرچه نامش «احیای مذاکرات هسته‌ای» است، اما محتوایش بسیار فراتر از آن خواهد بود. نکته قابل تأمل اینکه، برخلاف تصور رایج، گاهی سفرهای موازی و همزمان، معنایی مهم‌تر از دیدارهای مستقیم دارند. عراقچی با خالد بن سلمان دیدار می‌کند، پیش از آن همان خالد با ترامپ و ویتکوف گفت‌وگو کرده است. روبیو با لاوروف مذاکره می‌کند، لاوروف با دیگران درباره ایران و اوکراین حرف زده، یا پوتین با ترامپ تماس تلفنی داشته است. در چنین بافتی، معنای واقعی دیپلماسی، نه در یک ملاقات، بلکه در رشته‌ای از پیوندهای موازی و هوشمندانه شکل می‌گیرد.

> نکته
> **موضع‌گیری مشترک ایران و عربستان علیه اسرائیل بی‌تردید حامل پیامی به کاخ سفید و ویتکوف بود. ایران و عربستان، به‌خوبی می‌دانند که چگونه در بزنگاه‌های حساس از ادبیات مشترک برای انتقال پیام استفاده کنند**

تحلیلی بر سطرهای نانوشته

دیدار عراقچی و ویتکوف قطعاً انجام خواهد شد؟ هنوز پاسخ روشنی وجود ندارد. اما از سخنان ویتکوف گرفته تا سکوت معنادار رسانه‌های آمریکایی و افزایش تحرکات در منطقه نشان می‌دهد که در حال نزدیک شدن به نقطه‌ای حساس هستیم.

اگر این دیدار انجام شود، می‌توان آن را نه آغاز مذاکرات، بلکه آغاز آزمون‌های جدی‌تری دانست. آزمون حسن‌نیت، آزمون سطح مطالبات و آزمون تعریف مشترک از «امنیت منطقه‌ای». اگر انجام نشود، همین فشردگی دیدارهای اخیر نشان می‌دهد که مسیرهای دیپلماتیک به‌کلی بسته نیستند، بلکه هنوز تلاش برای ساختن یک چارچوب جدید ادامه دارد.

با این حال، ایران در این دور تازه نباید فریب فضای گفت‌وگو را بخورد. تجربه تلخ دور پیشین هنوز از حافظه دیپلمات‌های ایرانی پاک نشده است، زمانی که همزمان با جریان داشتن مذاکرات و اظهارات ضدونقیض ترامپ درباره پیشرفت گفت‌وگوها، تهران به این باور رسیده بود که دست‌کم در چنین فضای دیپلماتیکی، حمله‌ای در کار نخواهد بود. اما ناگهان، حمله‌ای نظامی از سوی اسرائیل صورت گرفت که نه‌تنها به مراکز حساس هسته‌ای ایران آسیب زد، بلکه با شواهد متعدد، نقش ایالات متحده در آن نیز غیرقابل انکار بود. همین سابقه است که اکنون ایران را به سمت مطالبه «تضمین» سوق می‌دهد، تضمینی برای آنکه مذاکرات، نه پوششی برای تهاجم، بلکه مقدمه‌ای واقعی برای تنش‌زدایی باشد.

> **احتمال دارد گفت‌وگوهای هسته‌ای میان ایران و آمریکا یکبار دیگر از سر گرفته شود. هرچند ایران اعلام کرده است که برای آنکه دوباره وسط مذاکرات با حمله نظامی مواجه نشود تضمین می‌خواهد**

خواب سنگین خودرو در جاده مخصوص

خودرو گران شد چرا؟

افزایش ناگهانی قیمت خودرو در میانه بحران جنگ و کاهش تولید آن در فصل بهار نگرانی مصرف‌کننده را به همراه دارد

گروه اقتصاد | در حالی که بسیاری از نهادهای دولتی و عمومی در تلاش‌اند تا در فضای پس از بحران اخیر، آرامش را به جامعه بازگردانند، ناگهان اعلام افزایش قیمت خودرو در میانه همین شرایط ملتهب، واکنش‌های منفی گسترده‌ای را به دنبال داشت. این تصمیم، مانند چکش بر اعتماد عمومی فرود آمد. تصمیمی که نه از سر تدبیر، که در واکنش به بن‌بست تولید اتخاذ شده است. اما ماجرا چیست و چرا بازار خودرو در ایران تا این حد بی‌ثبات و ناآرام است؟ آیا راهی برای خروج از این چرخه معیوب وجود دارد؟

خودرو میان تورم، دخالت و کمبود

بازار خودرو در ایران همواره تحت تأثیر متغیرهایی قرار دارد که یکی از آن‌ها کافی است تا نظم اندک موجود را بر هم بزند. اما این‌بار نه یک عامل، بلکه مجموعه‌ای از فشارهای اقتصادی، ارزی، ساختاری و سیاسی دست به دست هم داده‌اند تا بازار به نقطه انفجار برسد.

در نخستین نگاه، آنچه بیش از همه در افزایش قیمت خودرو نقش دارد، تورم عمومی در اقتصاد ایران است. این تورم نه‌فقط هزینه زندگی را بالا برده، بلکه تولید خودرو را نیز با هزینه‌هایی هنگفت روبه‌رو کرده است. بخش زیادی از قطعات و مواد اولیه خودروهای داخلی از خارج کشور وارد می‌شود و با جهش نرخ ارز از حدود ۴۰ هزار تومان تا نزدیکی ۷۰ هزار تومان در سامانه‌های رسمی هزینه تولید به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است.

با این حال، افزایش هزینه‌ها تنها بخشی از ماجراست. دخالت گسترده دولت در فرآیند قیمت‌گذاری، سال‌هاست که به یکی از ریشه‌های ناپایداری این بازار تبدیل شده است. سیاست‌گذاری‌های دستوری در قیمت‌گذاری خودرو، که گاه توسط شورای رقابت انجام می‌شود و گاه توسط نهادهای دیگر مانند سازمان حمایت، سازوکاری معیوب پدید آورده که در آن نه تولیدکننده اختیار دارد و نه مصرف‌کننده از ثبات بهره‌مند می‌شود.

در همین بستر، کمبود نقدینگی، ناتوانی در تأمین مالی، بدهی‌های سنگین به بانک‌ها و نهادها و البته اختلال در تأمین قطعات باعث شده تا خودروسازان با بن‌بست تولید مواجه شوند. تصمیم اخیر برای افزایش قیمت‌ها، نه از روی برنامه‌ریزی بلندمدت، بلکه کوششی برای جلوگیری از توقف کامل تولید است. به عبارت دیگر، افزایش قیمت خودرو در این مقطع، پاسخی فوری به یک بحران عمیق است نه اصلاح ساختار یا حرکت به سمت بهبود کیفیت یا تدبیری اقتصادی برای حفظ تعادل بازار.

از سوی دیگر، عرضه محدود خودرو و تقاضای بالای جامعه نیز شکاف عمیقی میان قیمت کارخانه و بازار آزاد ایجاد کرده است. در مواردی، اختلاف قیمت خودرو میان کارخانه و بازار به اندازه‌ای می‌رسد که ثبت‌نام در قرعه‌کشی‌ها به ابزار کسب سود برای عده‌ای خاص تبدیل می‌شود. در حالی که ظرفیت تولید خودرو در کشور حدود ۱.۵ میلیون دستگاه است، گزارش‌هایی وجود دارد که در برخی قرعه‌کشی‌ها تا ۱۰ میلیون نفر ثبت‌نام کرده‌اند. این آمار نه‌تنها نشان‌دهنده بی‌اعتمادی به نظام توزیع خودروست، بلکه تأیید می‌کند که بخش مهمی از تقاضا، ناشی از انگیزه‌های واسطه‌گری و نه مصرف واقعی است.

تولید خودرو در فصل بهار زمستانی شد

کاهش شدید تولید خودرو در سه شرکت بزرگ صنعت خودروسازی کشور در کنار افزایش ناگهانی قیمت نگرانی‌هایی را برای بازار خودرو ایجاد کرده است. اگر روزی قرار باشد برای صنعت خودروی ایران تقویمی جداگانه بنویسند، بهار ۱۴۰۴ را شاید باید با جوهری کمرنگ‌تر ثبت کنند، فصلی که برخلاف هوای گرمش، خط تولید خودروسازان حال و روز سردی داشت. نگاهی به آمار تولید سه شرکت اصلی این صنعت ایران‌خودرو، سایپا و پارس‌خودرو نشان می‌دهد که خروجی کارخانه‌ها نسبت به بهار پارسال، کاهش محسوسی داشته است. بررسی اقتصادی خبرگزاری مهر نشان می‌دهد در سه‌ماهه اول امسال، مجموعا ۱۷۹ هزار و ۹۳۰ دستگاه خودروی سواری از خطوط تولید این سه خودروساز خارج شد. عددی که وقتی در کنار تولید ۲۰۸ هزار و ۴۲۹ دستگاهی سال گذشته می‌نشیند، کاهش ۱۳.۷ درصدی یعنی دقیقا ۲۸ هزار و ۴۹۹ دستگاه کمتر را نشان می‌دهد.

ایران‌خودرو؛ ایستاده روی شیب ملایم

بزرگ‌ترین خودروساز کشور، ایران‌خودرو، با تولید ۱۱۷ هزار و ۹۵۴ دستگاه در بهار، همچنان صدرنشین جدول تولید باقی مانده است. البته این عدد تنها اندکی کمتر از آمار سال گذشته است. ایران خودرو نسبت به سال گذشته فقط ۱۷۴ دستگاه کمتر تولید کرده است. در واقع، ایران‌خودرو برخلاف سایر رقبا، وضعیت نسبتا باثباتی را حفظ کرده است. در میان محصولات این شرکت، خانواده پژو همچنان جایگاه اول را دارد. هرچند تنها نماینده فعلی آن، پژو ۲۰۷ است، تولید این مدل از ۵۲ هزار و ۹۸۹ دستگاه به ۳۶ هزار و ۸۸۰ دستگاه رسیده و ۳۰ درصد کاهش را تجربه کرده است. در مقابل، گروه سورن با ۳۳ هزار و ۴۶ دستگاه رشد خیره‌کننده‌ای داشته است: ۷۳ درصد افزایش نسبت به سال گذشته.

سایپا؛ سقوط آزاد در تولید

اما ورق که به سوی سایپا برمی‌گردد، رنگ گزارش تغییر می‌کند. این خودروساز در فصل بهار ۴۴ هزار و ۱۱۳ دستگاه تولید کرد، در حالی که سال گذشته این عدد ۶۵ هزار و ۵۹۸ دستگاه بود که این یعنی افتی ۳۳ درصدی و حذف بیش از ۲۱ هزار خودرو از خط تولید. بخش اعظم تولید سایپا همچنان وابسته به خانواده X۲۰۰ شامل تیبا، ساینا و کوییک است. این گروه در بهار امسال ۳۵ هزار و ۲۳۲ دستگاه تولید داشت در مقایسه با ۵۱ هزار و ۴۲۷ دستگاه پارسال، یعنی ۳۱.۵ درصد افت را ثبت کرده است. وضعیت شاهین نیز چندان بهتر نبود و تولید آن از ۱۴ هزار و ۱۷۱ دستگاه به ۸ هزار و ۸۸۱ دستگاه کاهش یافته و ۳۷.۴ درصد سقوط را نشان می‌دهد.

پارس‌خودرو؛ عقب‌نشینی با یک استثنا

پارس‌خودرو در فصل بهار، ۱۷ هزار و ۸۶۳ دستگاه خودرو تولید کرد که نسبت به ۲۴ هزار و ۷۰۳ دستگاه پارسال، ۲۷.۷ درصد افت داشته است. این شرکت، امسال تنها روی دو محصول سهند و گروه Q۲۰۰ تمرکز داشت. تولید Q۲۰۰ از ۲۰ هزار و ۵۴۸ دستگاه به ۱۵ هزار و ۱۲۹ دستگاه رسیده (افت ۲۶.۴ درصدی) اما سهند برخلاف این روند، با جهشی چشمگیر از ۳۳۹ دستگاه به ۲۷۳۴ دستگاه رسیده است که بیش از ۷۰۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. نکته دیگر آنکه پارس‌خودرو در بهار گذشته، هزار و ۲۳۰ دستگاه کوییک معمولی و ۲۵۸۶ دستگاه ساینا S نیز تولید کرده بود که امسال تولید آن‌ها به صفر رسیده است.

خرداد، ماه سقوط آزاد

اگر بخواهیم تنها یک ماه را به عنوان نماد رکود بهار معرفی کنیم، آن ماه بی‌تردید خرداد است. در این ماه، کل تولید خودروسازان به ۵۱ هزار و ۷۲۵ دستگاه رسید؛ عددی که در اردیبهشت‌ماه ۸۳ هزار و ۶۴۰ دستگاه بود. به عبارتی، ۳۸ درصد افت تنها طی یک ماه رخ داده است.

آینده‌ای در مه

مجموعه این آمارها، به‌ویژه افت شدید خردادماه، نه فقط یک هشدار کوتاه‌مدت، بلکه زنگ خطری جدی برای کل سال است. تداوم مشکلاتی چون قطعی برق، نبود سیاست روشن در قیمت‌گذاری، ناپایداری تأمین قطعات و کاهش تقاضا می‌تواند صنعت خودروی کشور را با چالش‌هایی اساسی روبه‌رو کند. اگر تابستان هم با همین فرمان پیش برود، خودروسازان در تحقق اهداف تولیدی سالانه خود، بیش از هر زمان دیگری به مانع خواهند خورد، مانعی که شاید این بار، تنها با فرمانی فراتر از سیاست صنعتی، بتوان از آن گذشت.

چرخه معیوب قیمت‌گذاری و انحصار

در کنار بحران‌های اقتصادی، ساختار مالکیت و رقابت نیز در بازار خودرو ایران به‌شدت مسئله‌دار است. بازار فعلی در انحصار چند خودروساز بزرگ قرار دارد که عملاً هیچ رقیب جدی‌ای ندارند. واردات خودروهای خارجی، چه نو و چه کارکرده، یا ممنوع است یا محدود و همین موضوع باعث شده تا گزینه‌های مصرف‌کننده ایرانی به چند محصول اغلب کم‌کیفیت داخلی محدود شود. نبود رقابت، انگیزه بهبود کیفیت را در تولیدکننده از میان برده و امکان انتخاب آزادانه را از مصرف‌کننده گرفته است.

روزگار به کام دلالان است

در این میان، واسطه‌ها و دلالان نیز جایگاه خود را محکم‌تر کرده‌اند. بازار آزاد خودرو در ایران سال‌هاست جولانگاه کسانی است که از هر شکاف در سیاست‌گذاری، سودهای کلان می‌برند. این گروه‌ها با خرید انبوه خودرو از کارخانه یا بازار اولیه و فروش با قیمت بالاتر در بازار آزاد، سودهای هنگفتی کسب می‌کنند. فقدان سازوکار نظارتی مؤثر، زمینه‌ساز تداوم این روند شده و در غیاب سیاست‌های بازدارنده، انگیزه تولید برای مصرف واقعی کاهش یافته است.

بحران بی‌اعتمادی عمیق‌تر از بحران قیمت

آنچه امروز در بازار خودرو می‌گذرد، صرفاً بحران قیمت نیست؛ بلکه بحرانی عمیق‌تر در اعتماد، ساختار، سیاست‌گذاری و حتی رویکرد به اقتصاد است. بازاری که نه تولیدکننده‌اش توان رقابت دارد، نه سیاست‌گذارش برنامه دارد و نه مصرف‌کننده‌اش قدرت خرید و دیر یا زود به نقطه انفجار خواهد رسید. حل بحران خودرو نیازمند یک بازنگری اساسی و هماهنگ است، از آزادسازی مشروط قیمت‌ها با نظارت مؤثر گرفته تا تسهیل واردات خودروهای کارکرده برای تنظیم بازار، از اصلاح ساختار تصمیم‌گیری در نهادهای متولی گرفته تا پایان دادن به سیاست‌گذاری‌های نمایشی. اگر اراده‌ای برای تغییر وجود داشته باشد، می‌توان به آینده‌ای متعادل‌تر امیدوار بود. در غیر این صورت، بازار خودرو ایران همچنان در چرخه‌ای معیوب از قیمت‌های دستوری، انحصار، سودجویی و نارضایتی خواهد چرخید، بی‌آنکه راهی به بیرون پیدا کند.

نکته

عرضه محدود خودرو و تقاضای بالای جامعه نیز شکاف عمیقی میان قیمت کارخانه و بازار آزاد ایجاد کرده است. در مواردی، اختلاف قیمت خودرو میان کارخانه و بازار به اندازه‌ای می‌رسد که ثبت‌نام در قرعه‌کشی‌ها به ابزار کسب سود برای عده‌ای خاص تبدیل می‌شود

نکته

آنچه امروز در بازار خودرو می‌گذرد، صرفاً بحران قیمت نیست؛ بلکه بحرانی عمیق‌تر در اعتماد، ساختار، سیاست‌گذاری و حتی رویکرد به اقتصاد است. بازاری که نه تولیدکننده‌اش توان رقابت دارد، نه سیاست‌گذارش برنامه دارد و نه مصرف‌کننده‌اش قدرت خرید و دیر یا زود به نقطه انفجار خواهد رسید

تکلیف خودروهای آسیب‌دیده در جنگ چه می‌شود؟

وعده دولت، سکوت بیمه‌ها، مردم در انتظار

بر اساس قراردادهای بیمه اگر خودرویی در اثر جنگ آسیب ببیند شرکت بیمه هیچ تعهدی برای جبران خسارت ندارد

مونا موسوی
هفت صبح

در روزهایی که آسمان ایران دوازده شبانه‌روز زیر غرش پدافند بود خیابان‌ها دیگر تنها مسیر عبور خودروها نبودند بلکه به صحنه‌هایی از خودروهای درهم شکسته‌ای تبدیل شده بود که روزی نماد حرکت و زندگی روزمره بودند ولی حالا با شیشه‌های شکسته، بدنه‌های فرورفته و رنگ‌هایی که زیر خاکستر جنگ رنگ باخته بودند، در گوشه‌وکنار شهرها خاموش و بی‌جان ایستاده بودند. یکی از نخستین دغدغه‌های مردم، جبران خسارت خودروهای آسیب‌دیده بود؛ مطالبه‌ای که به‌سرعت به یکی از خواسته‌های جدی افکار عمومی تبدیل شد اما پاسخ قانون به این مطالبه، تا حدودی سرد و بی‌انعطاف بود. هرچند گفته شده دولت تا حدودی به مالکان خودرو کمک می‌کند اما هنوز هیچ سازوکار مشخصی ندارد.

در ساختار فعلی بیمه‌نامه‌های بدنه خودرو، خطر جنگ به‌صراحت در فهرست استثنائات گنجانده شده است. به بیان دیگر، اگر خودرویی در اثر جنگ آسیب ببیند، شرکت بیمه هیچ تعهدی برای جبران خسارت ندارد. بیمه مرکزی نیز در اطلاعیه‌ای رسمی این موضوع را تأیید واعلام کرد که پرداخت خسارت از محل بیمه‌نامه‌های بدنه ممکن نیست. این اعلام، اگرچه مطابق با قانون بود اما در دل مردمی که خانه و زندگی‌شان در آتش جنگ سوخته بود، تلخ و ناامیدکننده جلوه کرد.

عبور از چارچوب‌های خشک و رسمی قانون

دولت در این شرایط، تصمیم گرفت تا از چارچوب‌های خشک و رسمی فراتر رود و برای کاهش فشار اقتصادی بر دوش مردم، مأموریت ارزیابی خسارات وارده به خودروها، بدون در نظر گرفتن وضعیت بیمه‌نامه، به بیمه مرکزی واگذار شد. این ارزیابی‌ها با همکاری نهادهای مدیریت بحران و بر پایه اطلاعات ثبت‌شده از خودروهای آسیب‌دیده آغاز شد. خودروها به دو گروه تقسیم شدند: آنهایی که بیمه‌نامه بدنه داشتند و آنهایی که فاقد این پوشش بودند. برای گروه نخست، شرکت‌های بیمه می‌توانند در قالب مسئولیت اجتماعی و به‌صورت داوطلبانه، خسارت را جبران کنند اما این اقدام الزامی نیست و به سیاست داخلی هر شرکت بستگی دارد. برای گروه دوم، دولت وعده داده است که پس از تکمیل ارزیابی‌ها، از محل منابع عمومی حمایت‌های لازم را ارائه خواهد داد. در دل این بحران، نگاه‌ها به آینده نیز دوخته شد. شورای عالی بیمه بازنگری در مقررات بیمه‌نامه‌های بدنه را در دستور کار قرار داد. یکی از مهم‌ترین محورهای این بازنگری، بررسی امکان افزودن الحاقیه‌ای برای پوشش خطر جنگ است. چنین اصلاحی می‌تواند زمینه‌ساز طراحی محصولات بیمه‌ای جدیدی باشد که در شرایط بحرانی و پرریسک، پاسخگوی نیازهای مردم باشند. این تصمیم، اگرچه هنوز در مرحله بررسی است اما نویدبخش آینده‌ای انعطاف‌پذیرتر در صنعت بیمه کشور است.

ابهام در پوشش افت قیمت خودرو

صنعت بیمه کشور دی ماه سال گذشته گامی نو برداشت و برای نخستین‌بار، امکان مطالبه خسارت ناشی از افت قیمت خودرو در تصادفات را از محل بیمه‌نامه شخص ثالث فراهم کرد اما این نوآوری که پیشتر تنها در بیمه‌نامه بدنه و آن هم به‌صورت محدود و توافقی قابل پیگیری بود و حالا به بخشی از بیمه شخص ثالث تبدیل شده اما دریغ از اینکه برای آسیب جنگ بندی در نظر گرفته نشده است.

براساس دستورالعمل بیمه‌نامه شخص ثالث، خودروهایی که کمتر از ۱۰ سال از زمان تولید آنها گذشته باشد، می‌توانند در صورت آسیب به اتاق یا شاسی در تصادف، خسارت افت قیمت را دریافت کنند اما پس تکلیف آسیب‌های جنگ چه می‌شود؟ نکته مهم دیگر آن است که شرکت‌های بیمه مجاز به دریافت حق بیمه اضافی بابت این پوشش نیستند و باید با همان بیمه‌نامه‌های موجود، خسارات مربوطه را جبران کنند.

فرمول محاسبه افت قیمت نیز بر پایه سه عامل طراحی شده است: ارزش روز خودرو، ضریب تصادف و ضریب سن خودرو. برای مثال، اگر ارزش خودرو ۵۰۰ میلیون تومان، ضریب تصادف ۱۰ و ضریب سن ۸ باشد، افت قیمت معادل ۱۰ میلیون تومان خواهد بود. البته برخی قطعات مانند سپر، چراغ‌ها، آینه‌ها و لوازم تزئینی در این محاسبه لحاظ نمی‌شوند اما آسیب به بدنه، کاپوت و شاسی تأثیر مستقیم بر دریافت هزینه بیمه دارد.

با وجود این پیشرفت، محدودیت‌هایی مانند شرط سنی زیر ۱۰ سال و شمول محدود وسایل نقلیه باعث شد برخی بیمه‌گذاران از این حمایت محروم بمانند. «بهروز بستگانی» رئیس مرکز مدیریت ریسک بیمه مرکزی با اشاره به استقبال اولیه از اجرای این دستورالعمل، اعلام کرد که فرآیند بازنگری آن آغاز شده است و هدف از این بازنگری، افزایش سقف سنی خودروهای مشمول، گسترش دامنه وسایل نقلیه تحت پوشش و بازبینی سازوکار ارزیابی افت قیمت است. او تأکید کرد که افزایش ضریب نفوذ بیمه و ارتقای رضایت عمومی، نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای نوآورانه‌ای همچون این دستورالعمل‌هاست.

تجربه جنگ اخیر، اگرچه تلخ و پرهزینه بود اما در دل خود حامل درسی بزرگ برای نظام بیمه‌ای کشور است: اینکه بیمه، تنها یک قرارداد مالی نیست، بلکه ابزاری برای بازسازی امید، ترمیم اعتماد و تضمین پایداری اجتماعی است

در ساختار فعلی بیمه‌نامه‌های بدنه خودرو، خطر جنگ به‌صراحت در فهرست استثنائات گنجانده شده است. به بیان دیگر، اگر خودرویی در اثر جنگ آسیب ببیند، شرکت بیمه هیچ تعهدی برای جبران خسارت ندارد

لزوم بازنگری در ساختارهای بیمه‌ای کشور

با این حال، تجربه جنگ اخیر بار دیگر نشان داد که حتی نوآوری‌های بیمه‌ای نیز برابر ریسک‌های فاجعه‌بار مانند جنگ، ناکافی‌اند. پوشش افت قیمت خودرو در قالب بیمه شخص ثالث، هرچند گامی مؤثر در حمایت از زیان‌دیدگان تصادفات رانندگی است اما در شرایطی چون جنگ، به دلیل ماهیت حادثه، قابل اعمال نیست. این واقعیت، ضرورت بازنگری در ساختارهای بیمه‌ای کشور و طراحی سازوکارهای انعطاف‌پذیر برای مواجهه با بحران‌ها را بیش از پیش برجسته می‌کند.

ناکامی نسخه‌های قدیمی در مصاف با بحران‌های نو

صنعت بیمه، به‌تنهایی نمی‌تواند بار سنگین بازطراحی ساختارهای حمایتی را به دوش بکشد. نیاز است که مجلس شورای اسلامی، شورای عالی بیمه و نهادهای اجرایی مرتبط با نگاهی جامع و آینده‌نگر، بسترهای قانونی لازم را برای توسعه بیمه‌های بحران‌محور فراهم آورند. در جهانی که تغییرات اقلیمی، تنش‌های ژئوپلیتیکی و بلایای طبیعی هر روز ابعاد تازه‌تری می‌یابند، دیگر نمی‌توان با نسخه‌های قدیمی به مصاف بحران‌های نو رفت.

همچنین بسیاری از شهروندان هنوز با مفاهیم پایه‌ای بیمه، تفاوت میان بیمه‌نامه بدنه و شخص ثالث یا حتی حقوق خود در قبال شرکت‌های بیمه آشنایی کافی ندارند. این ناآگاهی، در بزنگاه‌هایی چون جنگ یا تصادف، به سردرگمی و نارضایتی عمومی دامن می‌زند. بنابراین آموزش عمومی، شفاف‌سازی فرآیندهای بیمه‌ای و تقویت ارتباط میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار، باید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از اصلاحات بیمه‌ای در نظر گرفته شود. اگر شرکت‌های بیمه بتوانند در چنین شرایطی، حتی خارج از تعهدات قراردادی، به یاری مردم بشتابند، نه‌تنها سرمایه اجتماعی خود را افزایش می‌دهند، بلکه جایگاه صنعت بیمه را در ذهن و زندگی مردم ارتقا می‌بخشند. همچنین، توسعه فناوری‌های نوین در حوزه بیمه، مانند بیمه‌نامه‌های هوشمند، ارزیابی دیجیتال خسارت و سامانه‌های ثبت و پیگیری آنلاین، می‌تواند فرآیندهای ارزیابی و پرداخت خسارت را تسهیل کرده و از بروز نارضایتی‌های ناشی از تأخیر یا ابهام جلوگیری کند.

درسی بزرگ برای صنعت بیمه کشور

در نهایت، تجربه جنگ اخیر، اگرچه تلخ و پرهزینه بود اما در دل خود حامل درسی بزرگ برای نظام بیمه‌ای کشور است. بیمه، تنها یک قرارداد مالی نیست، بلکه ابزاری برای بازسازی امید، ترمیم اعتماد و تضمین پایداری اجتماعی است. اگر این نگاه در سیاست‌گذاری‌ها و عملکردها نهادینه شود، می‌توان امیدوار بود که در مواجهه با بحران‌های آینده، مردم تنها نخواهند ماند و ساختارهای حمایتی کشور، با چابکی و کارآمدی، در کنار آنها خواهند ایستاد.

نکته

در روزهایی که صدای پدافندها خطر جای بوق خودروها را گرفت و خیابان‌ها روزهای جنگ را تجربه می‌کردند، خودروهای سوخته و فرورفته، ساکت‌تر از همیشه در حاشیه خیابان‌ها ایستادند انگار آنها هم از آنچه بر سرشان آمده، حیرت‌زده‌اند. در دل این ویرانی، پرسشی ساده اما حیاتی ذهن هزاران شهروند را درگیر کرد: چه کسی خسارت این خودروها را جبران خواهد کرد؟

روایتی از حضور خرافه در سیاست ایران و جهان

ساحران و سیاستمداران از عصر ریگان تا امروز

● چگونه در دنیای هوش مصنوعی، پهپاد و سایبراتک، سحر و جادو به تحلیل سیاسی راه می‌یابد؟

گروه سیاست | در روزگاری که جنگ‌ها در آسمان با پهپادها و پیشرفته‌ترین ادوات جنگی رقم می‌خورند و دشمنان با سایبراتک قلب زیرساخت‌ها را نشانه می‌روند و سیاستمداران با بهره‌گیری از آخرین مطالعات علمی در شیوه‌های تحلیل می‌کوشند نظام بین‌الملل را تغییر دهند و منافع خود را تامین کنند هنوز کسانی هستند که سیاست را با سحر و جادو می‌سنجند. پس از جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، یکی از چهره‌های اصولگرای ایران مدعی شد که در خیابان‌های تهران، برگه‌هایی با طلسم‌هایی دارای نمادهای یهودی یافت شده است. او این ماجرا را با دیدار پیشین نخست‌وزیر اسرائیل با متخصصان علوم غریبه پیوند زد و آن را نشانه‌ای از جنگ نرم غیبی دانست. این روایت، اگرچه به‌ظاهر حاشیه‌ای می‌نمود، اما گویای واقعیتی عمیق‌تر است که از بازگشت ذهن سحرمحور به عرصه سیاست سخن می‌گوید که می‌تواند نشانه‌ای از بحرانی شدن عقلانیت در ساحت قدرت باشد. فارغ از صحت و سقم ماجرا، چنین ادعاهایی در سطوح سیاسی پرسشی جدی را پیش می‌کشد. در روزگار جنگ‌های سایبری و هوش مصنوعی، ذهن سحرمحور چگونه دوباره به میدان آمده است؟ برای فهم این بازگشت، باید به بیش از یک قرن پیش بازگردیم، به جایی که جیمز جرج فریزر، انسان‌شناس اسکاتلندی، در کتاب سترگ خود «شاخه زرین» از ذهن جادویی برابر دین و علم سخن گفت.

بازگشت خرافه راهی برای تفسیر جهان پیچیده

جیمز جرج فریزر در کتاب «شاخه زرین» سه مرحله برای سیر تطور اندیشه بشر قائل است که عبارتند از جادو، دین و علم. به‌زعم او، ذهن انسان نخستین برای فهم و تسلط بر طبیعت، نخست به جادو پناه برد، جادویی که بر دو اصل مشابهت و سرایت استوار بود. این «منطق دروغین»، به تعبیر فریزر، راهی بود که انسان نخستین از این طریق احساس امنیت و کنترل و اقتدار می‌کرد.

وقتی جادو ناکارآمد شد، انسان به دین و علم پناه برد و به واقعی‌ترین ابزار شناخت دست یافت. اما فریزر هشدار می‌دهد که ذهن جادویی هرگز به‌کلی از میان نمی‌رود. در بزنگاه‌های بحرانی، زمانی که علم و عقلانیت توان پاسخ‌گویی ندارند، سحراندیشی دوباره بازمی‌گردد. در دل یک جامعه مدرن، در میانه نظامی عقل‌گرا، ناگهان سحر، طلسم، و علوم خفیه نه به‌عنوان افسانه، بلکه به‌مثابه توضیحی کارآمد برای پدیده‌ای غیرقابل‌درک بار دیگر مطرح می‌شوند. = در این بافتار پست یکی از چهره‌های اصولگرا درباره طلسم‌های عبری در شبکه ایکس نه فقط یک نظر شخصی، بلکه نشانه‌ای از حضور این نگرش در بطن تحلیل سیاسی است.

سحر به‌جای سیاست و تحلیل

چنین ذهنیتی، به‌زعم فریزر، وقتی در لایه‌های بخشی از قدرت نفوذ می‌کند، از افول عقلانیت سیاسی خبر می‌دهد. این نگرش، به‌جای تحلیل ساختاری، به‌دنبال مناسک تطهیر است. اگر ناکامی در کار است پس طلسمی در کار است اگر مقام مسئولی تصمیم نادرست گرفته، لابد سحر شده است. این مکانیزم، اگرچه به لحاظ روانی و آرام‌بخش است، اما راه را بر اصلاح می‌بندد. زیرا مشکل نه در ساختار و فرآیند، بلکه در نیرویی ماورایی تعریف می‌شود که با یک دعا یا طلسم باید از میان برود. چنین طرز تفکری، بنیان مسئولیت‌پذیری را به‌شکلی عمیق تضعیف می‌کند. وقتی ناکامی‌ها و اشتباهات، نه نتیجه تصمیم‌گیری‌های نادرست، ضعف تدبیر یا بی‌کفایتی فردی و نهادی، بلکه محصول نیروهایی نامرئی و فرابشری تلقی می‌شوند، سیاست‌مداران و مدیران نالایق فرصتی طلایی می‌یابند تا از زیر بار پاسخ‌گویی بگریزند. او به جای آن‌که پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشد، با اعتماد به‌نفس تمام خود را قربانی سحر دشمن می‌داند. این منطق، نه‌فقط مقصران و خطاکاران را از فشار افکار عمومی می‌رهاند، بلکه هر نوع نقد عقلانی را نیز از ریشه می‌زند. در نتیجه نه فقط مسئولیت فردی، بلکه نهاد پاسخ‌گویی در ساختار قدرت به طور کلی تعلیق می‌شود.

وقتی رمالی جای سیاست‌ورزی را می‌گیرد

در سال‌های گذشته، یکی از پدیده‌های عجیب و قابل تأمل در سیاست ایران، بازگشت مکرر به مفاهیمی چون رمالی، جن‌گیری و علوم غریبه در سطوح بالای تصمیم‌گیری بود. ماجرا از گزارش‌هایی آغاز شد مبنی بر نفوذ باورهای شبه‌عرفانی و غیردینی در حلقه نزدیک به قدرت، تا آنجا که برخی از مقام‌های ارشد به استفاده از «مرتاضان هندی»، پیشگویی، سحر و طلسم در تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی متهم شدند. ادعاهایی که اگرچه از سوی چهره‌های مربوطه رد یا تمسخر شد، اما با شدت‌گرفتن واکنش‌های رسانه‌ای و اظهارات صریح شماری از روحانیون و نیروهای سیاسی منتقد، ابعاد تازه‌ای یافت.

اتهام‌هایی نظیر دیدار با رمالی ۴۰۰ ساله در هند، ارتباط با اشخاصی با ادعاهای خارق‌العاده و حتی تشکیل جلساتی محرمانه با «افراد عجیب» از جمله ادعاهایی بود که در آن دوران رسانه‌ای شد. این موج با دستگیری یکی از این چهره‌ها به اتهامات سنگین، به اوج خود رسید و واکنش‌های رسمی و غیررسمی گوناگونی را برانگیخت. فردی به‌نام عباس غفاری، بعدها به «رمال دولت» شهرت یافت و دستگیر شد. البته بسیاری از این ادعاها از سوی دولت وقت به شدت تکذیب شد، اما حجم و جدیت اتهامات، نشان از حضور چنین مفاهیمی در لایه‌های حساس تصمیم‌گیری داشت.

برخی روحانیون منتقد حتی پا را فراتر گذاشتند و با صراحت از سحرشدن اشخاص نامدار در قدرت سخن گفتند و تأکید کردند که «امور غیرطبیعی» بر رفتارهای آنان سایه افکنده است. این سخنان نشان می‌داد که خرافه، نه در حاشیه، بلکه در متن سیاست معاصر نیز جای گرفته است.

حتی سال‌ها پس از پایان آن دولت، باز هم زمزمه‌هایی از پیروی برخی سیاستمداران از پیشگویانی در هند یا باور به علوم خفیه به گوش می‌رسد، امری که نشان می‌دهد این قبیل افکار نه‌تنها زنده مانده، بلکه در برخی سطوح قدرت، مشروعیت نیز یافته است.

نکته

عبدالله گنجی: «پدیده‌ای عجیب! بعد از جنگ اخیر چند برگ کاغذ در کف خیابان‌های تهران یافت شده که طلسم با نمادهای یهودی است. در سال اول جنگ غزه نیز خبری از دیدار نتانیاهو با متخصصان علوم غریبه درز کرده بود.»

نکته

سیاست‌ورزی در دوران مدرن، بی‌نیاز از روایت‌های اسطوره‌ای نیست. اما وقتی جای علم و تحلیل را مناسک و طلسم بگیرد، زمانی که برای درک شکست یا بحران به علوم غریبه پناه برده شود، جامعه از مسیر اصلاح دور می‌شود

طلسم‌های خیابانی، تحلیل‌های جادویی

چند روز پس از پایان جنگ ایران و اسرائیل، یکی از فعالان رسانه‌ای اصولگرا در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «پدیده‌ای عجیب! بعد از جنگ اخیر چند برگ کاغذ در کف خیابان‌های تهران یافت شده که طلسم با نمادهای یهودی است. در سال اول جنگ غزه نیز خبری از دیدار نتانیاهو با متخصصان علوم غریبه درز کرده بود.» این جمله کوتاه، که بوی خرافه می‌داد، به سرعت توجه کاربران فضای مجازی را جلب کرد.

این نخستین بار نیست که در سیاست ایران، مفاهیم مربوط به علوم غریبه وارد عرصه عمومی می‌شود. در سال‌های گذشته، سابقه‌ای پرماجرا از ورود این مفاهیم به ساختار قدرت در ایران ثبت شده است و شاید مهم‌ترین نقطه عطف آن، به دولت دوم محمود احمدی‌نژاد بازگردد.

> اتهام‌هایی نظیر دیدار با رمالی ۴۰۰ ساله در هند، ارتباط با اشخاصی با ادعاهای خارق‌العاده و حتی تشکیل جلساتی محرمانه با «افراد عجیب» از جمله ادعاهایی بود که در دوران دولت نهم رسانه‌ای شد

سحراندیشی آخرین راه چاره ناکامان سیاسی

سیاست‌ورزی در دوران مدرن، بی‌نیاز از روایت‌های اسطوره‌ای نیست. اما وقتی جای علم و تحلیل را مناسک و طلسم بگیرد، زمانی که برای درک شکست یا بحران به علوم غریبه پناه برده شود، جامعه از مسیر اصلاح دور می‌شود. این نگرش، در این وضعیت، نه نشانه‌ای از گذشته، بلکه ابزاری برای توجیه اکنون است.

فریزر، بیش از یک قرن پیش، نشان داد که این قبیل باورها چگونه می‌کوشد سلطه را بازگرداند، حتی اگر به بهای کنار زدن حقیقت باشد و امروز، در سده‌ای که موشک و الگوریتم و هوش‌مصنوعی تعیین‌کننده میدان‌اند، هنوز گاه، نگاه‌مان به طلسمی در خیابان است. باید هوشیار بود. زیرا سیاست، اگر با سحر و جادو پیش رود، ما را نه به سوی آینده، که به عمق گذشته بازمی‌گرداند.

از دل کاخ سفید تا کوچه‌پس‌کوچه‌های تهران

این نگاه، نه مختص ایران و نه خاص این زمان است. در ایالات متحده، کشوری که معروف است تصمیمات سیاسی آن بر مبنای عقلانیت مدرن و نهادهای رسمی تحلیل می‌شود، توسل به رمل و کواکب در بالاترین سطوح قدرت نیز رسوخ کرده بود. ماجرا به اوایل دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد، زمانی که رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، از یک سوءقصد جان سالم به در برد. پس از این حادثه، نانسی ریگان، همسر رئیس‌جمهور، دچار اضطراب عمیق شد. برای مقابله با این نگرانی مزمن، او به زنی به نام جون کویگلی که یک منجم حرفه‌ای در سان‌فرانسیسکو بود متوسل شد. نانسی ریگان بدون اطلاع عمومی یا حتی بدون اطلاع اعضای دولت، برای برنامه‌ریزی دیدارها، سخنرانی‌ها، نشست‌های دیپلماتیک و حتی پروازهای ریاست‌جمهوری، ابتدا با کویگلی مشورت می‌کرد. تقریباً هر تصمیم مهم تنها پس از هماهنگی با جدول ستاره‌ها و دریافت تأیید منجم اجرا می‌شد. واشنگتن پست نخستین بار این موضوع را سال ۱۹۸۸ فاش کرد و سپس مجله تایم در مقاله‌ای نوشت: «راز پنهان کاخ سفید: اتکای نانسی ریگان به یک منجم برای تنظیم تقویم رئیس‌جمهور.» نانسی ریگان بعدها در مصاحبه‌ها تلاش کرد استفاده از منجم را فقط امری شخصی و برای کاهش اضطراب معرفی کند. اما واقعیت این بود که به مدت چندین سال، ساعت و روز تصمیمات حیاتی در کاخ سفید، نه با تحلیل‌های راهبردی یا مشاوره امنیت ملی، بلکه با توجه به وضعیت ستاره‌ها و سیارات، ساعت نحس و خوش‌یمن تنظیم می‌شد. این روایت، گواه آن است که حتی در ساختارهای عقلانی و مدرن نیز چنین نگرشی می‌تواند راه خود را باز کند به‌ویژه هنگامی که سیاست‌ورزان با بحران‌های غیرقابل مدیریت مواجه می‌شوند. آنچه فریزر از آن به عنوان سحر جایگزین علم یاد می‌کند، در اینجا در دل دموکراسی غربی، بدل به ابزار پیشگیری از ریسک سیاسی شده بود. از این‌رو، مهم نیست که طلسمی در خیابان یافت شده یا نه؛ مهم آن است که ذهنی که آن را باور دارد، در سیاست امروز نفس می‌کشد.

> نانسی ریگان برای برنامه‌ریزی دیدارها، سخنرانی‌ها، نشست‌های دیپلماتیک و حتی پروازهای ریاست‌جمهوری، ابتدا با منجم مشورت می‌کرد

اندر حکایت چهار سوار طلاپوش

ثروت چهار مرد در آفریقا، از دارایی‌های نیمی از جمعیت قاره بیشتر است؛ شکافی هولناک در قاره‌ای با ۱/۵ میلیارد نفر که امروز بیش از هر چیز از تبعیض ساختاری رنج می‌برد

رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

تصور کنید چهار مرد، به تنهایی، ثروتی بیشتر از ۷۵۰ میلیون انسان داشته باشند؛ انسان‌هایی که اغلب در مناطق روستایی و زاغه‌های شهری زندگی می‌کنند، از دسترسی به بهداشت، تحصیل و زیرساخت‌های اولیه محروم‌اند و روزگار را با درآمدی کمتر از دو دلار در روز سپری می‌کنند. این تصویر، یک خیال علمی-تخیلی نیست؛ واقعیت امروز آفریقاست. گزارش جدید آکسفام، سازمان بین‌المللی مبارزه با فقر، فاش می‌کند که تنها چهار میلیاردر آفریقایی، در مجموع صاحب ۵۷.۴ میلیارد دلار ثروت هستند. این رقم، از دارایی نیمی از جمعیت قاره بیشتر است. به گزارش دویچه‌وله، آفریقا، قاره‌ای غنی از منابع طبیعی، حالا به صحنه‌ای از نابرابری افراطی بدل شده است؛ جایی که ثروت‌های انباشته در برج‌های سیمانی و حساب‌های بانکی، روی استخوان فقر عمومی بنا شده‌اند.

از صفر تا ۲۳ میلیاردر

در آغاز هزاره سوم، آفریقا حتی یک میلیاردر هم نداشت اما اکنون، پس از دو دهه خصوصی‌سازی، استخراج افسارگسیخته منابع و باز شدن درهای اقتصاد به سرمایه‌گذاران جهانی، این قاره ۲۳ میلیاردر دارد که مجموع ثروت آنها به ۱۱۲.۶ میلیارد دلار می‌رسد. نکته نگران کننده اینجاست که در همین پنج سال گذشته، دارایی این افراد ۵۶ درصد رشد کرده، در حالی که برای صدها میلیون آفریقایی، درآمد واقعی یا کاهش یافته یا ثابت مانده است. به زبان ساده، نابرابری در حال انفجار است. آکسفام هشدار می‌دهد که چنین تمرکز ثروتی، به یک تهدید وجودی برای دموکراسی در قاره تبدیل شده است. در کشوری مانند جمهوری دموکراتیک کنگو، ۷۳ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند، در حالی که شرکت‌های معدنی خصوصی میلیاردها دلار از منابع کبالت و مس استخراج می‌کنند.

مالیات‌های خاموش، فرار سرمایه‌های روشن

بنا بر گزارش آکسفام، ساختارهای مالیاتی در بسیاری از کشورهای آفریقایی در خدمت ثروتمندان‌اند، نه مردم. به‌طور میانگین، نظام‌های مالیاتی در آفریقا سه برابر ناکارآمدتر از میانگین جهانی هستند. شرکت‌های بزرگ با بهره‌گیری از معافیت‌های بی‌حساب، فرار مالیاتی گسترده و مشاوران زبردست، در عمل از پرداخت سهم خود شانه خالی می‌کنند. در مقابل، طبقه متوسط و اقشار پایین، تحت فشار مالیات‌های غیرمستقیم مانند مالیات بر مصرف هستند که بار اصلی اقتصاد را بر دوش آن‌ها می‌گذارد. این وضعیت، بی‌عدالتی مضاعفی ایجاد کرده است. گزارش می‌گوید با اخذ فقط ۱ درصد مالیات بر ثروت و ۱۰ درصد مالیات بر درآمد یک درصد ثروتمند قاره، می‌توان سالانه ۶۶ میلیارد دلار درآمد ایجاد کرد؛ رقمی که می‌تواند آموزش ابتدایی رایگان را در کل قاره تضمین کند و زیرساخت برق را برای همه فراهم سازد. در این میان، بیش از ۸۸ میلیارد دلار در سال از طریق فرار سرمایه، معاملات سایه‌دار و فساد اداری از آفریقا خارج می‌شود. این خروج سرمایه، قاره را با کمبود دائمی منابع برای توسعه مواجه کرده است، در حالی که پول‌هایی که می‌توانستند مدرسه، درمانگاه یا جاده باشند، به حساب‌هایی در سوئیس و مالت و امارات منتقل می‌شوند.

چه کسانی بر قله ایستاده‌اند؟

در صدر فهرست میلیاردرهای آفریقایی، نامی است که سال‌هاست در صدر مانده: الیکو دانگوت، مالک امپراتوری سیمان دانگوت در نیجریه. او با ثروتی حدود ۲۳.۳ میلیارد دلار، نه‌تنها ثروتمندترین مرد آفریقا، بلکه نماد اقتصاد کلان سرمایه‌داری در این قاره است. دومین ثروتمند، یوهان روپرت، مالک برندهای لوکس و دارایی‌هایی در صنعت الماس و بانکداری است. نفر سوم، نیکی اوپنهایمر، از خانواده‌ای است که پیشتر مالک شرکت دِ بیرز، غول جهانی الماس بود. و نفر چهارم، ناصِف ساویریس، سرمایه‌دار مصری و صاحب سهام در شرکت‌های بین‌المللی از جمله آدیداس و اوراسکوم. این چهار نفر، به‌رغم تفاوت در حوزه‌های فعالیت، یک ویژگی مشترک دارند: آن‌ها محصول دسته‌ای از نظام‌های اقتصادی هستند که بیش از آن‌که در خدمت تولید و توزیع عادلانه باشند، در خدمت انباشت ثروت و حفظ امتیازات‌اند.

وقتی دموکراسی فروخته می‌شود

آکسفام هشدار می‌دهد که نابرابری افراطی، دموکراسی را از درون می‌خورد. ثروتمندان، با منابع مالی بی‌پایان، سیاست را می‌خرند، انتخابات را کنترل می‌کنند و قانون را به نفع خود شکل می‌دهند. در نیجریه، بزرگ‌ترین دموکراسی آفریقا، هزینه ثبت‌نام در انتخابات تا ۱۰۰ هزار دلار نیز می‌رسد؛ رقمی که نامزدی را برای طبقات متوسط و پایین ناممکن می‌سازد. در عوض، سیاستمداران وابسته به ثروت، برای رأی‌آوری به خرید رأی، توزیع نقدی و وعده‌های زودگذر متوسل می‌شوند رویه‌هایی که مردم را به ابزار مصرفی دموکراسی بدل می‌کند، نه مشارکت‌کننده حقیقی آن.

در کشوری مانند کنیا، بیش از ۶۰ درصد رأی‌دهندگان می‌گویند در ازای وعده مالی رأی داده‌اند. در چنین فضایی، سیاست‌گذاری عمومی دیگر نه به نفع عموم، بلکه در راستای تثبیت وضع موجود است؛ یعنی افزایش شکاف طبقاتی، کاهش مالیات‌های سرمایه و حذف تدریجی خدمات عمومی.

طلای خاکستری، آینده‌ای نابرابر

در نهایت، گزارش آکسفام یک پیام پررنگ دارد: ثروت در آفریقا، به جای اینکه فرصتی برای پیشرفت همگانی باشد، به اهرمی برای سلطه تبدیل شده است. سیاست‌گذاری در خدمت ثروت، دموکراسی را به یک ویترین بدل کرده و فقر، از یک مشکل اجتماعی، به یک ساختار پایدار تبدیل شده است. قاره‌ای که سرشار از طلا، نفت، کبالت و الماس است، امروز برای تأمین برق مدارس، واکسن کودکان و آب آشامیدنی سالم به کمک‌های خارجی وابسته است. این، نه یک تراژدی ساده، بلکه نشانه یک نظم اقتصادی معیوب است؛ نظمی که تا اصلاح نشود، قاره‌ای کامل را از آینده محروم می‌سازد.

چهره روز

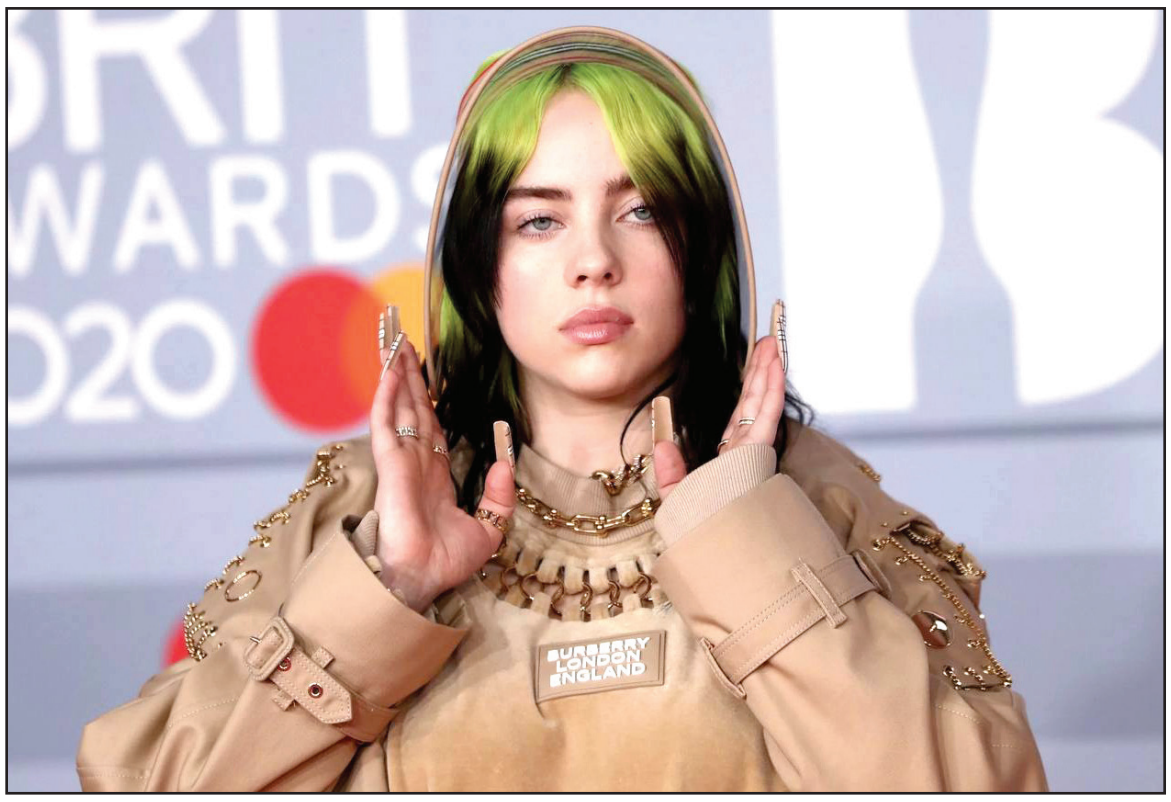

بیلی آیلیش، ستاره موسیقی پاپ و برنده گرمی، با انتشار ویدیویی در اینستاگرام به اظهارات جنجالی یک وزیر اسرائیلی درباره جابه‌جایی مردم غزه واکنش نشان داد و آن را «هولناک» خواند. این اولین موضع‌گیری آشکار او در مورد مرحله جدید جنگ فلسطین و اسرائیل است. آیلیش که پیش‌تر در مراسم اسکار ۲۰۲۴ با سنجاق سینه آتش‌بس (Artists4Ceasefire) حمایت خود از غزه را نشان داده بود، در استوری‌های اخیرش از سازمان‌های خیریه فعال در غزه که برای تأمین آب پاک تلاش می‌کنند، به‌عنوان «قهرمان» یاد کرد. او در کنار چهره‌هایی چون هانس زیمر، لانا دل‌ری، اندرو گارفیلد، مارک رافلو و خاویر باردم قرار گرفته که پیش‌تر از مردم مظلوم فلسطین حمایت کرده‌اند. این حرکت آیلیش نه‌تنها صدای او را به‌عنوان یک هنرمند جهانی تقویت کرد، بلکه بار دیگر توجه‌ها را به بحران انسانی در غزه جلب نمود.

عکس روز

کتابخانه‌هایی در آغوش آسمان

در بهار ۲۰۲۵، کتابخانه‌های روباز سئول با جذب یک میلیون بازدیدکننده در سه ماه، رکورد رضایت ۹۶/۶ درصدی را ثبت کردند

در سئول، شهری که نبضش با شتاب مدرنیته می‌تپد، کتابخانه‌های روباز مثل نسیمی خنک در میان آسمان‌خراش‌ها و ازدحام خیابان‌ها به راه افتاده‌اند. «ری‌دینگ سئول پلازا»، «گوانگ‌هوامون بوک یارد» و «ری‌دینگ بای د کلیر استریم» در کنار رودخانه چئونگ‌یه، از روز جهانی کتاب (۲۳ آوریل) تا پایان ژوئن ۲۰۲۵، بیش از یک میلیون نفر را به سوی خود کشاندند. این کتابخانه‌ها که از سال ۲۰۲۲ راه‌اندازی شده‌اند، حالا با ۶ میلیون بازدید، به نمادی از پیوند فرهنگ و زندگی شهری تبدیل شده‌اند.

اینجا فقط جایی برای ورق زدن کتاب نیست؛ اینجا صحنه‌ای است برای زیستن در دنیای داستان‌ها. در «سایلنت نایت بوک زون»، خوانندگان و عاشقان کتاب، زیر نور مهتاب و در سکوت غرق کلمات می‌شوند. در «پیجاما گروپ ریدینگ»، جوانان با لباس‌های راحت دور هم جمع می‌شوند و کتاب‌ها را با خنده، لحظاتی شاد و البته گفت‌وگوهای چالشی زنده می‌کنند. «هیپ بوک کلاب» هم با بیش از ۶۰ هزار پست در شبکه‌های اجتماعی، فضایی دیجیتال و واقعی ساخته که نسل میلیونیوم و زِد (متولدان دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی) در آن عاشقانه کتاب می‌خوانند، نقد می‌نویسند و تجربه‌های‌شان را با هزاران نفر به اشتراک می‌گذارند. این شور به آمار هم راه یافته: ۸۷.۱ درصد بازدیدکنندگان دست‌کم یک کتاب خوانده‌اند و ۹۶.۶ درصد از تجربه‌شان راضی بوده‌اند. ۹۷ درصد هم این مکان‌ها را به دیگران توصیه می‌کنند.

سئول با این ابتکار، کتاب را از کتابخانه‌های سنتی به دل شهر آورده. ۱۴ منطقه و ۵۳ نهاد محلی، از دانشگاه‌ها تا دبستان‌ها، حالا کتابخانه‌های روباز خود را دارند. کیت‌های اجاره‌ای کتابخوانی، شامل کتاب، صندلی و پتو، به هر کس اجازه می‌دهد در گوشه‌ای از شهر، کتابخانه‌ای موقت برپا کند. در نمایشگاه بین‌المللی کتاب سئول ۲۰۲۵، غرفه تجربه کتابخانه روباز در پنج روز بیش از ۴ هزار نفر را جذب کرد، نشانه‌ای از عطش مردم به این ایده نو. جهان هم به این واحه‌های فرهنگی چشم دوخته. دانشگاه پن‌استیت آمریکا، مدآی هنگ‌کنگ و دفتر آموزش استان گیونگ‌گی برای یادگیری از این مدل به سئول آمده‌اند. نتیجه اینکه بیش از ۸۰ کتابخانه روباز در سراسر کره‌جنوبی به سبک سئول شکل گرفته‌اند. این کتابخانه‌ها نه‌تنها فضایی برای خواندن، بلکه محلی برای خلق خاطره و پیوند اجتماعی‌اند. از کودکان در پارک بزرگ کودکان سئول تا بزرگسالان در مسیر جنگلی گیونگ‌چون، همه در این تجربه شریک‌اند. با وجود توقف فعالیت‌ها در گرمای تابستان، کتابخانه‌ها از ۵ سپتامبر با برنامه‌های تازه بازمی‌گردند. پیش از آن، «کتابخانه شب تابستانی» از ۲۲ تا ۲۴ اوت، وعده تجربه‌ای جادویی را در قلب شهر می‌دهد؛ جایی که کتابخوانی با حال‌وهوای تعطیلات درهم می‌آمیزد. در این مدت، وب‌سایت و شبکه‌های اجتماعی کتابخانه‌ها با شعار «یک روز معمولی»، با پیشنهادهای کتاب و محتوای خواندنی، همچنان پل ارتباطی با مخاطبان‌اند. کیم تائه‌هی، رئیس اداره فرهنگ شهرداری سئول، می‌گوید: «این کتابخانه‌ها بیش از یک مکان شهری هستند؛ آنها روح شهر را غنی‌تر می‌کنند و سئول را به مقصدی فرهنگی تبدیل کرده‌اند.» در این شهر، کتاب‌ها از قفسه‌ها آزاد شده‌اند، زیر آسمان باز نفس می‌کشند و داستانی تازه را در قلب میلیون‌ها نفر می‌نویسند.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

ینگه دنیا

پادشاه تراشه در تعقیب طلا

کمپانی انویدیای آمریکا با عبور از مرز ۴ تریلیون دلار، به باارزش‌ترین شرکت عمومی جهان بدل شد

در عصری که هوش مصنوعی مرزهای نوین علم و ثروت را جابه‌جا می‌کند، شرکتی از قلب سیلیکون‌ولی با جهشی خیره‌کننده، از غول‌هایی چون اپل و مایکروسافت پیشی گرفت و به صدرنشین بازار جهانی بدل شد. انویدیا (Nvidia)، سازنده ریزتراشه‌های پرقدرت مورد نیاز در فناوری هوش مصنوعی، با ثبت ارزش بازار ۴ تریلیون دلاری در ژوئن ۲۰۲۵، عنوان باارزش‌ترین شرکت عمومی جهان را از آن خود کرد؛ جایگاهی که تا همین دو سال پیش، حتی در افق تخیل وال‌استریت هم دور از دسترس بود. نقطه آغاز این جهش بی‌سابقه، انفجار تقاضا برای چیپ‌های پیشرفته‌ای بود که مغز متفکر مدل‌های هوش مصنوعی محسوب می‌شوند. از چت‌بات‌های مکالمه‌محور گرفته تا خودروهای خودران و سیستم‌های تحلیل کلان‌داده، همگی به تراشه‌هایی وابسته‌اند که تنها تعداد معدودی شرکت در جهان توان تولیدشان را دارند. انویدیا که تا سال ۲۰۲۲ شرکتی ۵۰۰ میلیارد دلاری بود، تنها در سه‌ماهه گذشته ۴۴.۱ میلیارد دلار درآمد ثبت کرد و سود خالص آن، حتی با لحاظ جریمه‌ها و محدودیت‌های صادراتی به چین، ۱۸.۸ میلیارد دلار گزارش شد. ارزش هر سهم انویدیا از ۱۴ دلار در ابتدای ۲۰۲۳ به بیش از ۱۶۴ دلار در نیمه ۲۰۲۵ رسیده است. این بدان معناست که سرمایه‌گذاران در کمتر از دو سال، بیش از ۱۱۰۰ درصد بازدهی تجربه کرده‌اند؛ بازاری که گویا دیگر نه بر نفت، بلکه بر «تراشه» می‌چرخد.

طلای خاموش

اگر در گذشته طلا تنها دارایی مطلق جهان بود، حالا دنیای دیجیتال، رقابتی تازه بر سر دارایی‌های هوشمند رقم زده است. برآوردها نشان می‌دهد کل طلای استخراج‌شده جهان تا امروز، حدود ۲۴۵ هزار تُن است که به قیمت روز، ارزشی معادل ۱۹.۶ تریلیون دلار دارد. این عدد البته همچنان بزرگ‌ترین رقم بازار جهانی است اما شرکت‌هایی چون انویدیا، اپل و آرامکو فاصله خود با طلای فیزیکی را به‌طرز شگفت‌انگیزی کاهش داده‌اند. در رده دوم پس از انویدیا، اپل (Apple) با ارزشی نزدیک به ۳.۴ تریلیون دلار قرار دارد. این شرکت که زمانی خود پیشتاز بی‌چون‌وچرای بازار بود، اکنون در سایه رشد خیره‌کننده تراشه‌سازان قرار گرفته است. پس از اپل، مایکروسافت (Microsoft) با ۳.۲ تریلیون دلار و آلفابت (Alphabet)، شرکت مادر گوگل، با ۲.۳ تریلیون دلار قرار دارند. آمازون (Amazon) نیز با حدود ۲ تریلیون دلار ارزش بازار، رده بعدی را از آن خود کرده است. در این میان، تنها شرکتی که از دنیای انرژی توانسته در باشگاه تریلیون‌دلاری‌ها باقی بماند، آرامکوی عربستان سعودی (Saudi Aramco) است. این غول نفتی در سال‌های اخیر با چالش‌هایی از جمله کاهش وابستگی جهان به سوخت‌های فسیلی و رقابت با انرژی‌های نو مواجه بوده اما همچنان با ارزش حدود ۱.۸ تریلیون دلار یکی از ثروتمندترین دارایی‌های غیرفناورانه جهان باقی مانده است.

فراتر از نفت و نقره

همزمان با صعود انویدیا، دیگر شرکت‌هایی که در قلب انقلاب هوش مصنوعی فعالیت می‌کنند نیز با رشدهای نجومی روبه‌رو شده‌اند. شرکت‌هایی چون اِی‌اِس‌اِم‌اِل (ASML) از هلند، تی‌اِس‌اِم‌سی (TSMC) از تایوان و اِی‌اِم‌دی (AMD) از آمریکا به لطف موج سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوش مصنوعی، حالا به بازیگرانی فرامنطقه‌ای تبدیل شده‌اند. به عنوان مثال، تی‌اِس‌اِم‌سی با ارزش بازاری نزدیک به ۸۵۰ میلیارد دلار، اکنون بزرگ‌ترین سازنده تراشه در جهان است، حتی اگر پشت‌پرده و به دور از نورافکن‌ها فعالیت کند. از سوی دیگر، برندهایی چون متا (Meta) و تسلا (Tesla) که زمانی جزو نوآورترین شرکت‌های فناوری بودند، در حال حاضر در تعقیب این موج تازه‌اند. ارزش متا حدود ۱.۳ تریلیون دلار است و تسلا، علی‌رغم افت‌های مقطعی، هنوز در حوالی ۸۵۰ میلیارد دلار نوسان دارد.

عصر جدیدی از ثروت

بازار جهانی به‌وضوح وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که ثروت نه از زمین و سوخت، بلکه از داده و توان محاسباتی استخراج می‌شود. پدیده‌ای که بسیاری آن را «طلای نرم» یا «نفت دیجیتال» می‌نامند. انویدیا، با تراشه‌هایی که توان محاسبه مدل‌های پیچیده را ممکن می‌سازد، نه‌فقط یک شرکت فناوری که سمبل این تغییر پارادایم است. در چنین جهانی، شرکت‌هایی که در تولید، کنترل یا پردازش داده نقش دارند، مهم‌ترین دارایی‌های قرن بیست‌ویکم‌اند. اگر طلا روزی پشتوانه پول ملی بود، حالا شاید این «سیلیکون هوشمند» است که قدرت دولت‌ها و ثروت ملت‌ها را تعیین می‌کند.

کیوسک

یواس‌ای تودی آمریکا، عکس و تیتر یک خود را به یک سالگی سوءقصد به ترامپ اختصاص داد و به قصه گلوله‌ای که از کنار گوش او گذشت و همه چیز را تغییر داد، پرداخت.

مورنینگ استار انگلیس، عکس و تیتر اصلی خود را به توافق بازگرداندن مهاجران غیرقانونی از انگلیس به فرانسه اختصاص داد و خطاب به مکرون و استارمر نوشت به جای این کار، جلوی مرگ مهاجران را بگیرید.

پلوژون

برد پیت در پی پیام‌های خصوصی آنجلینا جولی!

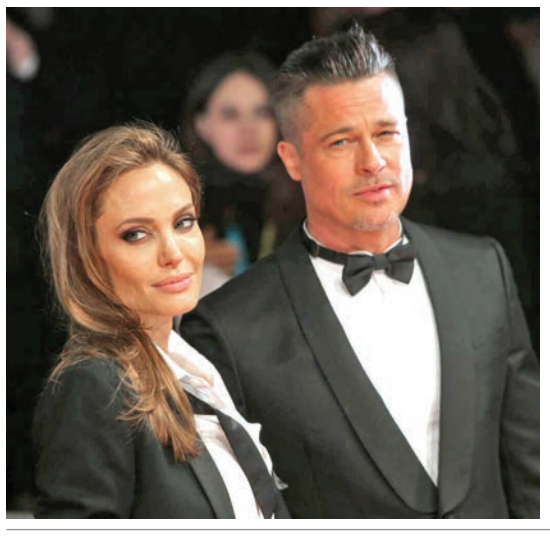

در جدیدترین فصل از درگیری‌های حقوقی میان دو ستاره هالیوود، برد پیت خواستار دسترسی به پیام‌های خصوصی همسر سابقش، آنجلینا جولی شده است. این نزاع پرهیاهو که برسر تاکستان لوکس «شاتو میراوال» در فرانسه جریان دارد، بار دیگر این زوج سابق را در مرکز توجه قرار داده است. به گزارش «آس ویکلی»، پیت ادعا می‌کند جولی در سال ۲۰۲۱، برخلاف توافق مشترک‌شان، سهام خود از این تاکستان را بدون اطلاع او به الکسی الینیک، یک الیگارش روس فروخته است. این زوج که در زمان بازی در فیلم «آقا و خانم اسمیت» عاشق یکدیگر شدند و این ملک را در دوران ازدواجشان خریداری کرده بودند، حالا درگیر پرونده‌ای پیچیده در دادگاهی در کالیفرنیا هستند. پیت که از سال ۲۰۲۲ شکایت خود را ثبت کرده، اصرار دارد پیام‌های رد و بدل شده میان جولی و الینیک منتشر شود تا حقیقت ماجرا روشن گردد اما الینیک، ساکن سوئیس، از افشای این پیام‌ها سر باز زده و کار را برای پیت دشوار کرده است. از سوی دیگر، جولی مدعی است که پیت با پیشنهاد خرید سهامش به قیمت ۵۵.۴ میلیون دلار، قصد داشته با گنجاندن بند عدم افشا، «سال‌ها بدرفتاری» را پنهان کند. این پرونده که هنوز به دادگاه نرفته، نه‌تنها آینده تاکستان شاتو میراوال را در هاله‌ای از ابهام قرار داده، بلکه بار دیگر زخم‌های قدیمی میان این دو ستاره را تازه کرده است. این فصل دیگری از جدال بی‌پایان این زوج هالیوودی است.

خیال‌پردازی‌های «شاخه زرین» از ادبیات تا سیاست

جادو تا علم تحولی که از پای نماند

جادو سازش انسان است با نیروهای برتر؛ همانی که انسان فکر می‌کند اختیار زندگی افراد در دست اوست. انسان‌های نخستین در برابر حوادث طبیعت جادو را اختراع کردند. جادوگر آدم زرنگی است که جای ریش‌سفیدان را می‌گیرد و سرانجام به کاهن و یا سلطان بدل می‌شود. مذهب در پی جادو، آنگاه پدید آمد که انسان‌ها ناتوانی خویش را پذیرفتند. جادو و علم از آن‌جا که هر دو فن مداخله‌اند، وجه مشترکی باهم دارند. مذهب خلاف آن‌ها همه‌چیز را به خدایان نسبت می‌دهد. در علم آگاهی نقش دارد، چیزی که در جادو وجود ندارد. برشی از کتاب «شاخه زرین»

فرهنگ هنوز در اسارت شاخه زرین

گاردین - جاناتان جونز

فرهنگ قرن بیستم همچنان در اسارت خیال‌پردازی‌های شاخه زرین فریزر باقی مانده است. اگر ترنر، نقاش رویاهای اسطوره‌ای، آن جرقه نخستین را در ذهن جیمز جورج فریزر نمی‌افروخت، شاید هیچ یک از تأثیرات بعدی هرگز رخ نمی‌داد.

نخستین‌بار در سال ۱۸۹۰، وقتی انسان‌شناس اسکاتلندی، جیمز جورج فریزر، شاخه زرین را منتشر کرد، اثری عظیم در حوزه دین‌پژوهی تطبیقی را به جهان عرضه کرد. اثری که تأثیری عمیق‌تر از فروید یا مارکس بر ادبیات و سینمای مدرن گذاشت. جرج الیوت درباره این اثر جیمز فریزر نوشته: «اثری در حوزه انسان‌شناسی که بر نسل ما تأثیری ژرف نهاده است؛ منظورم شاخه زرین است.»

جالب اینکه این پژوهش عظیم انسان‌شناسانه، با یک اثر هنری آغاز می‌شود. فریزر در فصل نخست می‌پرسد: «چه کسی نقاشی ترنر از شاخه زرین را نمی‌شناسد؟» و ادامه می‌دهد: «صحنه‌ای که در هاله‌ای از درخشش طلایی خیال غرق شده. درخششی که ذهن ربانی ترنر حتی زیباترین چشم‌انداز طبیعی را در آن دگرگون و متعالی می‌کرد. رویایی است از جنگل کوچک نمی، آینهه دیانا، چنان که باستانیان می‌نامیدندش...»

چرا ترنر سراغ نقاشی شاخه زرین رفت

نقاشی شاخه زرین اثر ترنر در سال ۱۸۳۴ کشیده شده و اکنون در مجموعه تیت بریتانیا نگهداری می‌شود. اما چرا فریزر سراغ ترنر می‌رود؟ پاسخ به این پرسش، ما را به جوهره واقعی شاخه زرین و معنای همان شاخه افسانه‌ای می‌رساند.

نگارش شاخه زرین، تحول ترنر

فریزر کار نگارش کتاب خود را در دهه ۱۸۸۰ آغاز کرد، در حالی که ترنر در سال ۱۸۵۱ درگذشته بود. طی سال‌هایی که شاخه زرین در حال گسترش و تجدیدنظر بود؛ از دو جلد نخست در ۱۸۹۰، تا نسخه دوازده جلدی در ۱۹۱۵ و سرانجام خلاصه ۷۱۴ صفحه‌ای‌اش در سال ۱۹۲۲ به قلم خود فریزر، چهره ترنر نیز در فرهنگ انگلیسی دگرگون شد.

تصویری امپرسیونیسمی ۵۴ سال بعد از مرگ

ترنر در دوران حیاتش هنرمندی بحث‌برانگیز بود. منتقدان رنگ‌های «خردلی» و نور «خشن» آثارش را نکوهش می‌کردند. او بیشتر به‌عنوان نقاشی شناخته می‌شد که افسانه‌ها و تاریخ را در چشم‌اندازهای طبیعی جان می‌داد. برداشتی از ترنر که امروزه تقریبا فراموش شده است. در سال ۱۹۰۵، گالری تیت مجموعه‌ای از آثار ترنر را که پیش‌تر «ناتمام» تلقی می‌شدند، به نمایش گذاشت و ناگهان در سایه محبوبیت مونه، این آثار طوری جلوه کردند که گویی ترنر پیشاپیش امپرسیونیسم را اختراع کرده، اما نتوانسته در فضای ویکتوریایی آن را به‌درستی ابراز کند.

چشم‌انداز ترنر، تصویر جهان فریزر

نگاه فریزر به ترنر اما نه از زاویه فرمی، بلکه از چشم‌انداز روایت و اسطوره بود. برای او، ترنر نقاشی بود از افسانه‌هایی که در دل چشم‌اندازها جاری‌اند. یک اسطوره‌پردازِ باشکوه. ترنر، رمانتیکی است مشحون از هراس و تباهی. او حتی شعر حماسی‌ای نوشته بود به نام خطاهای امید. در نگاه او، اسطوره‌های یونانی تیره‌اند. برای فریزر، این ترنرِ تیره، رازآلود و اسطوره‌پرداز، بهترین تصویرگرِ جهانی است که در شاخه زرین توصیف می‌کند: «جهانی که در آن خرد هنوز در نبردی نابرابر با جادو، آیین، و خون ایستاده است».

تاثیری که ترنر بر ادبیات گذاشت

وقتی فریزر در آغاز کتاب شاخه زرین به نقاشی ترنر ارجاع می‌دهد، شاید در وهله نخست تنها می‌خواهد اعلام کند با چه‌جور کتابی سروکار داریم. چرا که ترنر پیش از این هم الهام‌بخش کتاب‌هایی پرحجم و خیال‌انگیز بوده است. پرحجم‌ترین و شاید هم جنون‌آمیزترین کتاب غیرداستانی دوره ویکتوریا «نقاشان مدرن» اثر جان راسکین، با ترنر آغاز می‌شود و از آنجا سفری شگفت به دل تاریخ هنر، زیبایی‌شناسی و حتی زمین‌شناسی را می‌کاود. درست همان‌طور که شاخه زرین از یک تابلو نقاشی ترنر راه می‌گشاید به قلمروهای سیال افسانه و آیین. راسکین تنها نبود، هرمان ملویل نیز مجذوب او شده بود؛ یکی از نقاشی‌های ترنر از کشتی‌های شکار نهنگ، الهام‌بخش تصویر رازآلودی شد که بر دیوار مهمانخانه اسپاوتر در موبی دیک آویزان است. همان‌طور که راسکین و ملویل چیزی را که به آن نیاز داشتند، در آثار ترنر یافتند، فریزر نیز چنین کرد.

شعری در باب فرهنگ، آیین و مرگ

فریزر کار خود را با هنر آغاز می‌کند، چون خود یک هنرمند است. شاخه زرین اگرچه ظاهری علمی و عبوس دارد، در واقع منظومه‌ای است در نثر؛ شعری وسیع در باب فرهنگ، آیین و مرگ. تصویرهایی که در آن می‌بینیم، درخت‌ها، آتش، آدمک‌ها و خدایان قربانی‌شده همچون نقش‌هایی بر بالای صفحات آن معلق‌اند. او با یادآوری نقاشی درخشان ترنر از صحنه‌ای طلایی و الهام‌بخش آغاز می‌کند، اما بلافاصله خود، صحنه‌ای دیگر را می‌سازد: بیشه‌ای تیره و تراژیک. او می‌نویسد: «در دوران باستان، این چشم‌انداز جنگلی، صحنه تراژدی‌ای غریب و تکرارشونده بود. در این بیشه مقدس، درختی خاص می‌رویید که شب و روز، سایه‌ای هولناک گرد آن پرسه می‌زد. شمشیری برهنه در دست داشت و پیوسته با هراس به اطراف می‌نگریست، گویی هرلحظه انتظار حمله‌ای را داشت. او یک کاهن بود و یک قاتل...»

وقتی همه‌چیز از دل فرهنگ بیرون می‌آید

فریزر چهره‌ای شگفت‌انگیز است که فرهنگ امروز ما را با اواخر ویکتوریا پیوند می‌زند. درس ارجاع فریزر به ترنر، درواقع درسی بنیادین درباره ماهیت علوم انسانی است. همان «علوم نرم» که فیزیک‌دانان و زیست‌شناسان گاه آن‌ها را دست‌کم می‌گیرند. انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌کاوی همه این‌ها در اواخر قرن نوزدهم زاده شدند و کتاب فریزر گواهی‌ست بر اینکه این علوم واقعا «نرم» هستند. او هیچ‌گاه وانمود نمی‌کند که دانشمندی بی‌طرف و بیرون از فرهنگ است. از همان جمله نخست روشن می‌سازد که خود انسانی است درون فرهنگ، نه بیرون از آن و شاید به همین دلیل است که پیش از آن‌که ما را به دل جنگلی ببرد که فرهنگ در آن زاده می‌شود، به یادمان می‌آورد که مسیر انسان، هرچقدر تاریک یا آیینی، بی‌تردید از دل روشنای خیال ترنر عبور کرده است.

جوزف مالورد ویلیام ترنر
Joseph Mallord William Turner

ویلیام ترنر، مشهور به جِی. اِم. دابلیو. ترنر نقاش بریتانیایی مشهور به «نقاش نور» بود. او زاده قرن ۱۸ میلادی است اما تاریخ دقیق تولدش، به این خاطر که یادداشت‌های مرتبط به زادروزش در یک آتش‌سوزی از بین رفت هیچ‌گاه مشخص نشد. چنان که بعد از مرگ، دوست او، جان راسکین در خطابه‌ای که برای ویلیام ایراد کرد نتوانست سن دقیق او را به وقت مرگ دقیق اعلام کند. ترنر پدری آرایشگر و مادری از خانواده یک قصاب داشت اما خود چهره‌ای جنجال‌برانگیز در بریتانیا شد؛ منظره‌پرداز رمانتیک. منظره‌های رنگ روغن او چنان جایگاه ویژه‌ای یافت که فصل تازه‌ای در نقاشی ایجاد کرد و نقاشی منظره را در کنار نقاشی‌های تاریخی قرار داد.

شاخه زرین؛ نقاشی برگرفته از منظومه حماسی «انه‌اید» اثر ویرژیل است. قهرمان تروایی، انه‌آس، به کومائه آمده تا با سیبل، زن پیشگوی معبد، مشورت کند. او به انه‌آس می‌گوید تنها در صورتی می‌تواند به دنیای مردگان قدم بگذارد و روح پدرش را ملاقات کند که شاخه‌ای زرین از درختی مقدس بچیند و آن را به پروسرپینا پیشکش کند. ترنر در این اثر، سیبل را در حالیکه داسی در دست دارد و شاخه زرین را تازه بریده است در برابر دریاچه آورنوس به تصویر کشیده، دریاچه‌ای افسانه‌ای که به‌عنوان دروازه‌ای به دنیای مردگان شناخته می‌شود. پیکرهای رقصان، نماد سرنوشت (فِیت‌ها) هستند. مار خزنده‌ای که در پیش‌زمینه دیده می‌شود نیز همچون آن‌ها، به مرگ و رمز و رازهای عالم مردگان اشاره دارد، همه در دل چشم‌اندازی زیبا و وهم‌آلود.

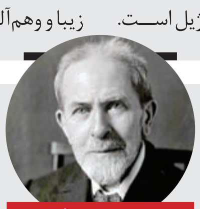

جیمز جورج فریزر
James George Frazar

انسان‌شناس و فیلسوف قرن ۱۹ میلادی انگلستان، که با کتاب مشهور خود «شاخه زرین» توانست تأثیر عمیقی بر مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و فلسفه و ادبیات بگذارد. فریزر این کتاب را در نتیجه تحقیقات گسترده‌ای که همراه با سایر همکاران خود در دانشگاه کمبریج آغاز کرده بود در سال ۱۸۹۰ منتشر کرد. چاپ نخست «شاخه زرین» در ۱۸۹۰ حادثه‌ای بزرگ بود. در آن دوران، این کتاب را خطرناک خواندند که به جنگ با فرهنگ مردم رفته است. کتاب خشم مسیحیان را برانگیخت تا آن اندازه که نویسنده مجبور شد فصلی از آن را که در رابطه با مصلوب شدن مسیح بود، به طور موقت حذف کند. هرچند این بخش در چاپ‌های بعدی به کتاب بازگشت، زمانی که جهان از اهمیت اثر فریزر مطلع شد. جیمز جویس، تی.اس. الیوت، دی. اچ. لارنس، ازرا پاوند، جوزف کمپل و بسیاری این کتاب و کار جیمز فریزر را ستایش کرده و از آن در آثارشان الهام گرفتند. فروید نیز با خواندن این اثر به اسطوره توجه نمود و اثرش «توتم و تابو» را نوشت؛ حتی توین‌بی با الگو قرار دادن آن کوشید تا تاریخ دیگری بنویسد.

آغاز حرکت فریزر در کتاب، از فلسفه آغاز و به مردم‌شناسی رسید. او که مطالعات خود را با ماهیت تفکر بشر آغاز کرده بود به بررسی تاریخچه این تفکر تمرکز کرد. او ذهن بشر را در متن فرهنگ‌ها در اعصار مختلف، به‌ویژه آنگاه که به مذهب و جادو آمیخته بود، مورد بررسی قرار داد. به نظر فریزر، روند تکاملی فکر تا رسیدن به حال، مراحل زیادی پشت سر گذاشته که هر یک به نوعی فرهنگ بدل شده است. برای نمونه؛ آن‌که باران می‌خواهد به رقص باران روی می‌آورد تا آرزویش را بیان دارد و این عصر جادوست. پس از آن زمانی فرا می‌رسد که این انسان مأیوس به زانو می‌افتد و به نیایش روی می‌آورد و این عصر مذهب است. پس از آن زمانی می‌رسد که انسان می‌بیند با دعا و نیایش کاری از پیش نمی‌رود، به تحقیق در علت نباریدن، به عالم طبیعت روی می‌آورد و می‌کوشد تا جهان را به خواست خویش سامان بخشد؛ این عصر علم است.

شناسه آگهی: ۱۹۶۰۴۶۵

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران
IMPASCO
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۵۱-۱۴۰۴/۴ ت (نوبت دوم)

شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در نظر دارد مناقصه عمومی با موضوع **" انجام عملیات استخراج ماده معدنی و حمل تا محل کارخانه، خردایش و دانه بندی ماده معدنی و حمل محصولات تولیدی تا دپوهای مربوطه در مجتمع سنگ آهک پیربکران واقع در استان اصفهان "** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به شماره ثبت ستاد ۲۰۰۴۰۰۱۰۲۸۰۰۰۰۲۴ و با جزئیات مندرج در اسناد مناقصه با تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۲۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (بیست و دو میلیارد و پانصد میلیون ریال) (واریز نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی) برگزار نماید. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ و مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت تا ساعت ۱۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ و مهلت ارائه پیشنهادات حداکثر تا ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ و جلسه بازگشایی پاکات صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ برگزار می گردد. علاقمندان شرکت در مناقصه می بایست جهت ثبت نام ودریافت گواهی امضای الکترونیکی باشماره ۱۴۵۶ تماس حاصل نمایند ویابه آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

م الف ۱۱۹۸

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء شماره ۱۱۷۲ و ۱۱۷۳ و ۱۱۷۴ و ۱۱۷۶ و ۱۱۷۸ و ۱۱۷۹ و ۱۱۸۱ و ۱۱۸۲ مورخ ۱۴۰۴/۳/۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضیان، مالکیت خانم مرضیه آقاجان به شناسنامه شماره ۱۹۳۹ کدملی ۱۲۸۹۱۵۱۹۹۷ صادره اصفهان فرزند اسداله در ۲۳۳/۹۰ سهم مشاع از ۳۱۱۸/۷۳ سهم ششدانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۱۱۸/۷۳ متر مربع با درج اعیانی و با کاربری کشاورزی (با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی) پلاک شماره ۱ فرعی از ۴۵۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت آقای محمد باقر اقاجان به شناسنامه شماره ۱۳۲۳ کدملی ۱۲۸۸۸۵۰۰۳۴ صادره اصفهان فرزند اسدالله در ۴۶۷/۸۰ سهم مشاع از ۳۱۱۸/۷۳ سهم ششدانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۱۱۸/۷۳ متر مربع با درج اعیانی و با کاربری کشاورزی با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی)پلاک شماره ۱ فرعی از ۴۵۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم زینت آقاجان به شناسنامه شماره ۳۳۵ کدملی ۱۲۸۸۹۴۶۳۸۴ صادره فرزند اسداله در ۲۳۳/۹۰ سهم مشاع از ۳۱۱۸/۷۳ سهم ششدانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۱۱۸/۷۳ متر مربع با درج اعیانی و با کاربری کشاورزی (با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی) پلاک شماره ۱ فرعی از ۴۵۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم مهری آقاجان به شناسنامه شماره ۵۰ کد ملی ۱۲۸۸۷۴۴۴۶۳ صادره اصفهان فرزند اسداله در ۲۳۳/۹۰ سهم مشاع از ۳۱۱۸/۷۳ سهم ششدانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۱۱۸/۷۳ متر مربع با درج اعیانی و با کاربری کشاورزی و با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی) پلاک شماره ۱ فرعی از ۴۵۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم زهرا آقاجان به شناسنامه شماره ۴۳ کدملی ۱۲۸۸۷۷۴۸۱۸ صادره فرزند اسداله در ۲۳۳/۹۰ سهم مشاع از ۳۱۱۸/۷۳ سهم ششدانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۱۱۸/۷۳ متر مربع با درج اعیانی و با کاربری کشاورزی (با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی) پلاک شماره ۱ فرعی از ۴۵۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم پروانه آقاجان به شناسنامه شماره ۶۲۷ کدملی ۱۲۸۹۰۱۳۹۱۸ صادره اصفهان فرزند اسداله در ۲۳۳/۹۰ سهم مشاع از ۳۱۱۸/۷۳ سهم ششدانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۱۱۸/۷۳ متر مربع با درج اعیانی و با کاربری کشاورزی (با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی) پلاک شماره ۱ فرعی از ۴۵۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت خانم اعظم آقاجان به شناسنامه شماره ۲۸۲۲ کدملی ۱۲۸۹۲۳۵۰۱۵ صادره فرزند اسداله در ۲۳۳/۹۰ سهم مشاع از ۳۱۱۸/۷۳ سهم ششدانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۱۱۸/۷۳ متر مربع با درج اعیانی و با کاربری کشاورزی) با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی) پلاک شماره ۱ فرعی از ۴۵۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان و مالکیت آقای رجبعلی آقاجان به شناسنامه شماره ۷۲ کد ملی ۱۲۸۸۸۰۳۵۶۷ صادره اصفهان فرزند اسداله در ۷۷۹/۷۳ سهم مشاع از ۳۱۱۸/۷۳ سهم ششدانگ یکدرب باغ به مساحت ۳۱۱۸/۷۳ متر مربع با درج اعیانی و با کاربری کشاورزی (با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی) پلاک شماره ۱ فرعی از ۴۵۷۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان در ازای مالکیت رسمی مشاعی اولیه (سهم الارث نامبردگان از پدرشان مرحوم اسداله آقاجان و واگذاری سهام توسط مادرشان : صدیقه عنایت دستجردی (مالک رسمی) به فرزندانش به موجب مشروحه) مفروز ثبتی گردیده است. لازم به ذکر است ملک مورد تقاضا به موجب هبه نامه های عادی(با این شرط که تا زمانیکه فروشنده در قید حیات می باشد . منافع آن متعلق به فروشنده بوده است) از طرف مرحوم اسداله آقاجان (مالک رسمی) به متقاضیان فوق الذکر واگذار گردیده است و خانم صدیقه عنایت دستجردی (مالک رسمی) نیز در جلسه هیات حاضر و به موجب استشهادیه محلی که به تایید شهود محلی رسیده است اعلام داشته : « سهم خود از ملک مورد تقاضا به موجب سند فوق الذکر را به فرزندانم واگذار نمودم و هیچ گونه ادعایی نسبت به مورد تقاضای متقاضیان (فرزندانم) ندارم لازم به ذکر است : آقای رجبعلی آقاجان، هم خودش مالک مشاعی بوده و هم سهم الارث مرحوم پدرش و نیز سهم مادرش را می برد. ضمن اینکه آقای مهدی آقاجان علی رغم ارسال اخطاریه درخواست صدور سند از هیات قانون تعیین تکلیف را ننموده و ثبت نام را نیز انجام نداده است ولی سهم وی به قوت خود باقی می ماند. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند. می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

حسین عینی
رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۹۶۱۰۰۹
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۳۸۲۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مهین ترکمان به ش ش ۱۲۲ و کد ملی ۳۹۳۱۴۳۲۶۸۸ صادره از - فرزند اصغر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۹۲,۵۰ متر مربع قسمتی از اراضی روستای قدیمی پلاک ۳۲ اصلی واقع در بخش ۲ ملایر خریداری از مالک رسمی محمد شعبانلو محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایندبدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف : ۴۳۷

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر - مرتضی مسعودی

تاریخ انتشار اول :۱۴۰۴/۰۴/۲۱ تاریخ انتشار دوم:۱۴۰۴/۰۵/۰۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.
ردیف -۱ برابر رأی شماره ۴۲۵۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ هیأت اول مالکیت آقای حسین حسن پور به شناسنامه شماره ۸۳۲ کدملی ۵۷۵۹۳۱۰۴۸۸ فرزند ظهراب در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۵۹,۱۳ متر مربع پلاک شماره ۲۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت حسن جمشیدی فرزند کریم ثبت در دفتر املاک تأئید و محرز گردیده است .

شهریاری
رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

شناسه آگهی:۱۹۶۰۹۰۱
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت ششدانگ پلاک ثبتی B۴۸۲۵/۵ واقع در بخش ۴ ثبت اصفهان بنام حسینعلی مرادی کهنگی به شماره ملی ۱۱۸۹۸۳۸۴۸۶ فرزند عباس با شماره چاپی ۱۱۴۱۵۲ در دفتر ۷۶ صفحه ۱۵۱ سابقه ثبت و سند داشته که جهت نامبرده سند صادر شده است ضمن درخواست صدور سند المثنی بشماره ۱۴۰۴۲۱۷۰۲۰۲۳۰۰۹۳۶۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ از طرف وکیل نامبرده خانم راضیه ناظم با شماره وکالتنامه ۷۶۷۴۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ دفترخانه ۱۳۳ اصفهان با ارائه دو برگ استشهاد شهود با رمز تصدیق ۴۲۱۳۹۰ و شماره یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۷۱۴۵۰۰۰۰۴۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ دفترخانه شماره ۱۹۵ اصفهان درخواست المثنی نموده و اعلام کرده سند مذکور بر اثر سهل انگاری مفقود گردیده لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این اگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتباً ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید تا مراتب صورتمجلس و اصل سند مالکیت به ارائه کننده سند مسترد گردد بدیهی است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسید یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات خواهد شد.

سید اسداله موسوی
مدیر واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان

شناسه آگهی:۱۹۶۰۸۸۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.
ردیف -۱ برابر رأی شماره ۶۲۸۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ هیأت اول مالکیت خانم زهرا ستوده به شناسنامه شماره ۵۶۱۶ کدملی ۱۲۹۲۲۰۹۴۵۳ صادره اصفهان فرزند علی در ششدانگ یکباب
مغازه به مساحت ۱۷ متر مربع پلاک شماره ۴۴۵ فرعی از ۴۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت عباس علی صالح زاده لمجیری تأئید و محرز گردیده است.

شهریاری
رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

شناسه آگهی:۱۹۶۰۸۴۹
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهریار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۵۷۰۱۱۶۱۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد حسن سلیمانی فرزند عبدالنبی بشماره شناسنامه ۱۰۷ کد ملی ۴۷۲۳۶۵۹۶۸۴ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۷۲ مترمربع از پلاک ۶۲/۱۹۸ واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی اقای علی عباس اقلیدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

م الف ۱۲۴۲۲ مهدی ناصری - رئیس ثبت اسناد و املاک
۲۳۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهریار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۵۷۰۱۱۱۱۳هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین جمالی فرزند محمود بشماره ملی ۵۰۴۸۸۴۰۲۳۲ بصورت ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۶/۹۴ متر مربع از پلاک ۵۳/۱۷۰۲ واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی اقای محمد امراللهی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

م الف ۱۲۴۲۳ مهدی ناصری - رئیس ثبت اسناد و املاک
۲۳۷

پرونده فراموش شده موتورسواری بانوان همچنان مسکوت مانده است

موتورسواری با طعم قانون یا سلیقه؟!

رئیس پلیس راهور: بانوان موتور سوار در صورت تصادف مانند بقیه اعمال قانون می‌شوند

مینا هرمزی
هفت صبح

به اطراف نگاهی می‌کند. نقاب کلاه ایمنی‌اش را پایین می‌کشد. حالا شده عین مردها. پیراهن و شلوار و یک کلاه ایمنی. انگار می‌ترسد که شناخته شود. موتور برقی زرد قناری‌اش را چاق می‌کند و بعد... حرکت. گرچه خودش هم شاید چندان از این موتورسواری لذتی نبرد. چون «زن» است و به قول خودش نه می‌خواهد تابوشکنی کند و نه می‌خواهد قانون‌شکن باشد. او فقط می‌خواهد موتورسواری کند! موتورسواری در خیابان‌های تهران مشکلات خود را دارد، مرد و زن هم نمی‌شناسد، اما زن که باشی گویا مشکلات و چالش‌های موتورسواری دو چندان می‌شود. پرسش مهمتری که در این میان وجود دارد آن است که چطور می‌شود مسئله‌ای که می‌تواند در بخش‌های میانی نهادهای تصمیم‌گیر کشور حل و فصل شود آنقدر بلاتصمیم باقی می‌ماند تا در نهایت به بالاترین سطوح تصمیم‌گیری می‌رسد و باز هم مسکوت می‌ماند. طولانی شدن تصمیم‌گیری برای یک مسئله اجتماعی آن را به بحران اجتماعی و در صورت تداوم به بحران امنیتی تبدیل می‌کند. موتورسواری بانوان همچنان یکی از چالش‌های حل نشده در کشور است. همانند ورود بانوان به استادیوم‌های ورزشی که در نهایت با دخالت فیفا و نرمش مسئولان داخلی حل شد و مشکلی هم پدید نیامد. این در حالی‌ست که کشور، راننده ماشین و حتی خلبان ماهر زن کم ندارد. با این حال هنوز موتورسواری بانوان در ایران مجاز نیست! البته موتورسواری بانوان از نظر قانون اساسی بلامانع است اما راهنمایی و رانندگی نمی‌تواند براساس تبصره ۲۰ تخلفات، گواهینامه‌ای برای خانم‌ها صادر کند. سوای اینکه قوانین موتورسواری بانوان از نظر شرعی نیز مخالفان و موافقان خود را دارد.

مشکل از «مردان» است

موتورسواری بانوان یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیزی است که هر چند وقت یک‌بار اخبار ضدونقیضی در مورد آن منتشر می‌شود اما مشکل اصلی در یک تبصره یک خطی است که می‌گوید: صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای «مردان» برعهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است. نیروی انتظامی با استناد به همین قانون از صدور گواهینامه موتور برای بانوان شانه خالی می‌کند و بر کلمه مردان در این تبصره تأکید دارد. از آنجا که نیروی انتظامی تنها مرجع صادرکننده گواهینامه خودرو و موتورسیکلت در ایران است، بانوان برای گرفتن گواهینامه موتور نمی‌توانند به مرجع دیگری مراجعه کنند.

کافی است قانون‌گذار واژه مردان را از این تبصره سیزده کلمه‌ای بردارد تا معضل کش‌دار موتورسواری بانوان حل شود. حذف یک واژه به مراتب هزینه کمتری دارد تا اینکه این رویداد که از اقتضائات زندگی در دنیای جدید و شهرهای پرترافیک امروز است در پی بروز بحران حل و فصل شود.

برخورد با تخلفات مطابق قانون!

بسیاری از شهروندان معتقدند که فرهنگ موتورسواری بانوان در جامعه از مردان بهتر است! آنها با رعایت قوانین رانندگی و استفاده از کلاه ایمنی باعث شده‌اند تا مردان موتورسوار نیز کمی قانون‌مدارتر رفتار کنند. «سردار حسینی» رئیس پلیس راهور فراجا هم این موضوع را قبول دارد و می‌گوید: «بارها تأکید کرده‌ام که بانوان به دلیل هوش ذاتی و مدیریت بالایی که دارند، می‌توانند رانندگان خوب و قانون‌مداری باشند اما موضوع صدور گواهینامه موتورسواری برای آنها، تنها به پلیس راهور مرتبط نمی‌شود و نیازمند ورود دیگر ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی است. ارائه پیشنهادی به مجلس برای اصلاح قانون صدور گواهینامه می‌تواند تکلیف این موضوع را روشن کند».

در این میان اما همچنان یک سوال باقی است. اینکه وقتی هنوز گواهینامه‌ای برای بانوان موتورسوار وجود ندارد، در صورتی که تصادفی کنند، آیا در هر صورت بانوی موتورسوار مقصر خواهد بود؟ سوالی که سردار حسینی در پاسخ به آن این‌گونه پاسخ می‌دهد: «در صورت بروز هر تصادفی پلیس راهور موظف است مطابق قانون با تخلفات برخورد کند. به هر حال قانون تکلیف انواع تصادف‌ها را مشخص کرده است. در هر صورت امیدواریم با همکاری همه نهادها، راه‌حلی مناسب برای این موضوع پیدا شود».

این سخنان رئیس پلیس راهور کشور درحالی مطرح می‌شود که این نهاد تاکنون چندین بار اعلام کرده که به دنبال راهکاری برای حل این گره کور است. حتی برخی شنیده‌ها نیز حکایت از آن دارد که پلیس هنوز هم با همکاری سایر نهادهای متولی راهکارهایی را در این زمینه دنبال می‌کند که شاید به زودی به نتیجه برسد و یک‌بار برای همیشه این پرونده بسته شود و بانوان با گرفتن گواهینامه بتوانند به راحتی موتورسواری کرده و از تردد با آن لذت ببرند.

مشکل اصلی در یک تبصره یک خطی است که می‌گوید صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای «مردان» برعهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است. نیروی انتظامی با استناد به همین قانون از صدور گواهینامه موتور برای بانوان شانه خالی می‌کند

رد شدن از کنار پلیس کم دلهره‌آور نیست

گفت‌وگو با بانوان موتورسوار هم نشان می‌دهد با وجود اینکه برخی از خانواده‌ها مخالف موتورسواری بانوان هستند اما آنها سعی می‌کنند با رعایت حجاب و بهانه ندادن به دست کسی با موتور در سطح شهر تردد کنند. با این حال تعدادی از آنها اذعان می‌کنند که با برخی از آزارهای جنسیتی هم مواجه شده‌اند و هر روز تا دلتان بخواهد متلک‌هایی می‌شنوند که آزاردهنده است اما باید عادت کنند تا این فرهنگ در جامعه جا بیفتد.

«شقایق» که حدود ۳۰ سال سن دارد، یکی از بانوان موتورسواری است که به «هفت‌صبح» می‌گوید: رد شدن از کنار پلیس کم دلهره‌آور نیست اما تاکنون برخورد بدی از پلیس ندیده‌ام. او می‌گوید: بسیاری از بانوان واقعا به موتوسواری علاقه‌مند هستند و دست فرمان خوبی هم دارند. چه فرقی می‌کند راننده موتور باشند یا مسافر موتور؟! وی ادامه می‌دهد: با تورم الان، بسیاری از بانوان ترجیح می‌دهند به جای ماشین، موتورسیکلت برای رفت و آمد خود خریداری کنند. از طرفی الان به دلیل ترافیک زیاد و نبود جای پارک کافی، بسیاری از مردان هم با وجود اینکه ماشین دارند، برای تردد راحت‌تر از موتورسیکلت استفاده می‌کنند. نفسی چاق می‌کند و اضافه می‌کند: به نظرم بهتر است سیاستگذاران «همراه» جامعه باشند نه اینکه راه خود را بروند و جامعه راهی دیگر را. وی که همچنان مصر به موتورسواری تحت هر شرایطی است، ادامه می‌دهد: به زنان موتورسوار مثل خودم توصیه می‌کنم که نهایت احتیاط را در رانندگی به خرج دهند؛ چون در صورت توقف توسط پلیس با مجازات رانندگی بدون گواهینامه روبه‌رو می‌شوند و ممکن است وسیله نقلیه خود را برای مدتی از دست بدهند!

> **نکته**
> **رئیس پلیس راهور فراجا: «بارها تأکید کرده‌ام که بانوان به دلیل هوش ذاتی و مدیریت بالایی که دارند، می‌توانند رانندگان خوب و قانون‌مداری باشند اما موضوع صدور گواهینامه موتورسواری برای آنها، تنها به پلیس راهور مرتبط نمی‌شود و نیازمند ورود دیگر ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی است.»**

مشکل امروز و دیروز نیست

حدودا نیمی از جمعیت کشور را بانوان تشکیل می‌دهند و جالب اینکه تاکنون هیچ مرجعی به صورت واضح و شفاف علت دقیق ممنوعیت موتوسواری بانوان را بیان نکرده است. اگر بخواهیم به طور خلاصه بیان کنیم موتورسواری بانوان جرم نیست و در قانون هم، هیچ مجازاتی برای آن بیان نشده است اما راهنمایی و رانندگی به استناد وجود یک واژه در یک تبصره پر ابهام از دادن گواهینامه به بانوان امتناع می‌کند ضمن آنکه رانندگی بدون گواهینامه تخلف است و بیمه هم پاسخگوی راننده بدون گواهینامه نیست. امیدواریم که مجلس شورای اسلامی به عنوان مرجع قانون‌گذاری کشور، با ورود به این خلأ قانونی، اختلاف و چالش‌ها را که مربوط به دیروز و امروز نیست به بهترین شکل و به نفع نیمی از جمعیت کشور حل کرده و راهنمایی و رانندگی را ملزم به صدور گواهینامه موتورسیکلت بانوان کند.

حوادث

متهمی که یک زورگیر افغان را به قتل رسانده بود پای میز محاکمه رفت

جانم را بگیر گوشی‌ات را بده

فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

«آنها قصد داشتند از من دزدی و اخاذی کنند»؛ این خلاصه دفاع متهم به قتلی است که یک جوان افغان را به قتل رسانده است. متهم دقایقی قبل از مرگ مقتول زمانی که داشت زاغ سیاه او را چوب می‌زد تا از حالش باخبر شود به دام افتاد و پای میز محاکمه رفت. نگهبان بیمارستانی در پیشوای ورامین چشمش به رفتارهای مشکوک دو جوان بود که دزدکی از در بیمارستان وارد شدند. به نظر می‌رسید که این دو جوان با دقت اطراف خود را می‌پایند و همین شک نگهبان را برانگیخته بود و بدون اینکه آنها متوجه شوند چشم از آنها برنمی‌داشت. نگهبان متوجه شده بود که آنها می‌خواهند بدون اینکه توجه کسی را جلب کنند از بیمارستان بیرون بزنند. برای همین وقت را تلف نکرد و خیلی سریع موضوع را به پلیس اطلاع داد. ماموران حفاظت بیمارستان نیز وارد عمل شده و از دو جوان مشکوک علت حضور در بیمارستان را جویا شدند. همان موقع ماموران پلیس سر رسیدند و بالاخره مشخص شد آن دو جوان برای اینکه از وضعیت یکی از بیماران سر در بیاورند وارد بیمارستان شده‌اند.

اعتراف به قتل

خرداد ماه سال ۱۴۰۲ بود که جوانی افغان روی تخت بیمارستان به دلیل وارد شدن ضربه چاقو به کام مرگ فرو رفت و رسیدگی به موضوع وارد فاز جنایی شد.

مرد جوانی که دقایقی قبل از مرگ مقتول بالای سر او زاغ سیاهش را چوب می‌زد به قتل او اعتراف کرد و گفت: «چند ساعت پیش از قتل بود که من با این جوان و دوستش در خیابان درگیر شدم.

در جریان درگیری ضربه‌ای چاقو به او زدم و از مهلکه گریختم اما متوجه شدم که عابران برای کمک به او بالای سرش آمده و او را به بیمارستان منتقل کردند. من از اینکه دیدم او غرق خون روی زمین افتاد خیلی مضطرب شده بودم و وقتی به خانه‌مان رسیدم به دوستم زنگ زدم و ماجرا را گفتم. بعد از دوستم خواستم برای اینکه بفهمیم حال این جوان چطور است با هم به بیمارستان برویم چون نگران حالش بودم و می‌ترسیدم برایم دردسر درست شود.» با اعتراف متهم به قتل تحقیقات برای روشن شدن ابعاد پنهان ماجرا آغاز شد و بعد از طی شدن روال قانونی، پرونده برای رسیدگی به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شده و متهم برای دفاع از خود پای میز محاکمه رفت.

در دادگاه

در این جلسه رسیدگی متهم به شرح ماجرا پرداخت و گفت: «روز حادثه من به همراه دختر مورد علاقه‌ام روی جدول کنار نهر آبی نشسته بودیم که ناگهان مقتول و دوستش بالای سر ما ظاهر شدند. مقتول با پرخاش و قلدری به من گفت که اینجا با این خانم چه می‌گویی؟ من که حدس می‌زدم او قصد اخاذی از من را دارد بلند شدم و ایستادم تا جلوی او در بیایم و گفتم به تو چه ربطی دارد؟ یکدفعه او از زیر لباسش چاقوی بزرگی بیرون کشید و زیر گلوی من گذاشت و گفت گوشی و پول‌هایت را به من بده. صدای جیغ نامزدم در گوشم پیچید و خودم هم وحشت کرده بودم. من برای دفاع از خودم چاقویی از جیبم بیرون آورده و ضربه‌ای به آن جوان خفت گیر زدم که یکدفعه غرق در خون روی زمین افتاد.»

تحقیقات موجود در پرونده حکایت از این داشت که دختر همراه متهم نیز اظهارات او را تائید کرده بود. او گفته بود: «من و متهم این پرونده قصد ازدواج داشتیم. روز حادثه برای آشنایی ابتدایی در حال صحبت بودیم که مقتول و دوستش به قصد سرقت و اخاذی به ما حمله کردند. نامزدم برای دفاع از خودش و من با چاقو به او ضربه‌ای زد.»

همچنین دوست مقتول بازداشت شده و به اتهام شروع به سرقت برای او پرونده قضایی تشکیل شده بود.

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم برای صدور رای وارد شور شدند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب (سهامی خاص)

نوبت : اول
شناسه : ۱۹۶۰۶۸۹

فراخوان مناقصه عمومی

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی (توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadlran.ir می باشد.

مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره م م/۰۴/۰۱۳۴ مربوط به احداث جاده و محل چاه غرب ۰۰۵ جنوب (ب) آبتیمور (پسماند)

الف- شرح مختصر خدمات

عملیات تخریب ،تسطیح وکوبیدن بستر، عملیات خاکی،اجرای قشرمخلوط رودخانه ای وتثبیت با آهک،شن ریزیی،تسطیح ورگلاژ،خاکبرداری وخاک ریزی،اجرای قشرزیراساس وشفته آهک،ساختمان پی دستگاه حفاری،دیوارسنگی سمت ۱۷متری،احداث گودال بتنی/بلوکی آبگل ،لوله کشی آب وگاز،ساخت ونصب مهارهای لوله گاز،سپتیک

ب - محل اجرای خدمات و مدت انجام کار

محل اجرای خدمات در ۳۰ کیلومتری اهوازو مدت انجام آن ۱۰ماه می باشد.

ج- برآورد کارفرما

برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۳۹۴،۵۰۱،۳۲۱،۰۹۰ ریال وتعدیل پذیر می باشد

د- شرایط مناقصه گران متقاضی

- داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه - مناقصه گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش راه وترابری - داشتن گواهینامه تاییدصلاحیت ایمنی ازاداره کل تعاون کارورفاه اجتماعی درزمان عقدقرارداد- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر،الویت با شرکت های بومی استانی می باشد.-مناقصه گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش راه وترابری -داشتن گواهینامه تاییدصلاحیت ایمنی ازاداره کل تعاون کارورفاه اجتماعی درزمان عقدقرارداد- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/ ۱۹،۷۲۵،۰۶۶،۰۵۵ ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد :

الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق الذکربه شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۱۶۰۴۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اهوازکد ۰ حساب - بنام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

ب: ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوق الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰روز) معتبر بوده وپس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.

- توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (در صورت برنده شدن) بعنوان تضمین انجام تعهدات-ارائه یک نسخه تأیید شده از صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی الزامیست ارائه یک نسخه تأیید شده از صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی قبل از ارائه پیشنهادات مالی الزامیست(مبنای پذیرش در خصوص هر گونه گزارش حسابرسی صورت های مالی، بارگذاری گزارش مذکور از طریق سایت جامع حسابداران رسمی ایران(قابل استعلام در وبگاه www.iacpa.ir) با قابلیت مشاهده در سامانه پردیس می باشد

مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.

توجه : ضمانت نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک پاسارگاد و سپه قابل پذیرش نمی باشد .

هـ- محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه گران

از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadlran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی های لازم وفق آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی ساده)بر روی مدارک ارسالی مناقصه گران به عمل آید.

۱- مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۶لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

۲- مبلغ خرید اسناد و شماره حساب: واریز مبلغ ۰ریال از طریق درگاه موجود در سامانه به نشانی www.setadlran.ir

محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها

متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است.

همچنین مناقصه گران می بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۲:۰۰روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس : اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرحهای راه و ساختمان تسلیم نمایند.

همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می باشد.

امور حقوقی و قراردادها - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
http://IETS . MPORG . IR , WWW . NISOC . IR

شناسه آگهی : ۱۹۶۰۰۲۱
نوبت دوم

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد
(سهامی خاص)

موضوع: آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی (کیفی) ۴۰۴/۰۴

- **نام ونشانی دستگاه مناقصه‌گذار:** شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد –به آدرس یاسوج ، بلوار مطهری، خیابان راهداران، پائین تر از اداره راه و شهرسازی ساختمان شماره دو شرکت گاز، واحد امور پیمانها
- **موضوع مناقصه:** خدمات تعمیرات در سطح شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد
- **برآورد پایه:** ۳۱۴،۸۵۵،۱۴۱،۶۸۹ ریال (سیصد و چهارده میلیارد و هشتصد و پنجاه و پنج میلیون و یکصد و چهل و یک هزار و ششصد و هشتاد و نه ریال)
- **مبلغ و میزان ونوع تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار**= ۱۵،۷۴۲،۷۵۷،۰۸۴ ریال (پانزده میلیارد و هفتصد و چهل و دو میلیون و هفتصد و پنجاه و هفت هزار و هشتاد و چهار ریال)که می‌بایست مطابق مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۷ هیأت محترم وزیران و ضمائم مربوطه تهیه شود و در صورت نقدی به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۹۷۰۴۰۲۱۳۸۴ بانک مرکزی واریز گردد.
- **تاریخ انتشار در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت:** ۱۴۰۴/۰۴/۱۸
- **مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد:** ۱۴۰۴/۰۴/۲۲
- آخرین مهلت بارگذاری نسخه الکترونیکی مدارک ارزیابی کیفی و پیشنهاد مناقصه در سامانه ستاد و تحویل نسخه فیزیکی پاکت الف(تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار):۱۴۰۴/۰۵/۰۵
- **ارجاع پاکات به کمیته فنی و بازرگانی جهت ارزیابی کیفی:** ساعت ۸ صبح ۱۴۰۴/۰۵/۰۶
- **شرایط متقاضیان:**
- مدارک ثبتی شرکت حاوی تصاویر برابر با اصل(اساسنامه،آگهی آخرین تغییرات شرکت،آگهی تاسیس شرکت روزنامه رسمی و...)
- دارای کارت رتبه بندی معتبر از سازمان تعاون،کار و رفاه اجتماعی در رابطه با موضوع فوق الذکر
- گواهی صلاحیت ایمنی کار از سازمان تعاون،کار و رفاه اجتماعی
- سوابق کارهای مشابه به همراه تاییدیه های لازم از مناقصه گران جهت حضور در جلسه گشایش پیشنهاد ها دعوت به عمل می آید.
- حداقل امتیاز ارزیابی کیفی قابل قبول جهت گشایش پاکات مناقصه ۶۰ می باشد.(که توضیحات بیشتر به همراه ضوابط ارزیابی کیفی در اسناد ارزیابی کیفی آورده شده است)
- بازگشایی پاکات (الف، ب، ج) پس از ارزیابی کیفی اعلام میگردد.
- امکان تغییر و یا تعویض پیشنهاد مالی تا قبل از بازگشایی پاکات مالی از طریق سامانه وجود دارد.
- آگهی این مناقصه در پایگاه اینترنتی شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد و پایگاه اطلاع رسانی مناقصات قابل مشاهده می‌باشد. تلفکس واحد امورپیمانها : ۳۳۳۶۲۷۷-۰۷۴

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۴/۲۱
روابط عمومی شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد
۲۲۶

از وردخوانی تا انرژی درمانی

آیا می‌توان با جادو یک تیم را قهرمان کرد؟

امید ذاکری‌نیا
دبیر ورزشی

حالا دیگر نزدیک به دو دهه است که یک حاشیه جدید و جدی به فوتبال ایران اضافه شده که بیشتر شبیه افسانه‌سازی و خیالات است تا واقعیت. از وردخوانی تا ریختن آب یا مایعات خاص درون دروازه؛ از جلسات سری انرژی درمانی تا ارتباط با جادوگرانی که ادعا می‌کنند می‌توانند توپ‌ها را وارد دروازه کرده یا از ورود آنها جلوگیری کنند. همه اینها سال‌ها پرسش‌هایی جدی به دنبال داشته است: جادوگری در فوتبال ایران چقدر وجود دارد؟ تا چه اندازه در ساختار و نتایج موثر است؟ و چه میزان این داستان‌ها واقعی هستند؟

طلسم‌گران یا فرصت‌طلبان؟

یکی از جادوگران با نام مستعار «ن» در گفت‌وگو با یکی از روزنامه‌ها ادعا می‌کند که با یکی از باشگاه‌های پرطرفدار پایتخت همکاری کرده است. او می‌گوید پس از مدتی همراهی تیم و گرفتن نتایج خوب، سرمربی تصمیم گرفت همکاری را قطع کند اما «ن» برای تلافی، دو بازی پیاپی کاری کرد که تیم بازنده شود!

او می‌گوید: «کار من ذهنی است. من جادوگر نیستم. از انرژی درون خودم استفاده می‌کنم. می‌توانم توپ را گل کنم یا نکنم!»

هرچند این ادعاها شبیه داستان‌های فانتزی است اما پرسشی جدی مطرح می‌شود: چرا برخی مربیان و باشگاه‌ها به چنین افرادی اعتماد می‌کنند؟

از حومه تهران تا لیگ قهرمانان

اولین موج جدی ورود جادو به فوتبال ایران به سال‌هایی برمی‌گردد که یک تیم تهرانی برای نخستین بار قهرمان لیگ شد. بازیکنان آن تیم بعدها عنوان کردند که سرمربی رفتارهای عجیبی داشت؛ از آوردن پرنده به تمرین تا درخواست‌هایی که ربطی به ورزش نداشت. ماجرا به‌جایی رسید که برخی اطرافیان او را متهم به استفاده از جادو کردند. یکی از مدیران سابق هم بعدها این موضوع را تأیید کرد و گفت فردی به نام «الف» از طریق انرژی‌درمانی بر نتایج تیم تأثیر می‌گذاشت. در نمونه‌ای دیگر، یک بازیکن سرشناس نقل کرده بود که فردی به نام «گ» شب‌ها بالای سر او ورد می‌خواند و وردی را درون جورابش می‌گذاشت و همان بازیکن از آن پس گل‌های سرنوشت‌ساز زیادی به ثمر رساند.

جادو یا روان‌درمانی؟

با اینکه بسیاری از جادوگران تلاش می‌کنند خود را «درمانگر انرژی» یا «کارشناس ذهن و روان» بنامند، روایت‌های متعدد از وردخوانی، لباس خاص، ریختن آب یا مایعات اطراف نیمکت، نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد با نوعی شبه‌مناسک خرافی مواجهیم که رنگ و لعاب روانشناختی به خود گرفته است.

در یکی از شگفت‌آورترین روایت‌ها، فردی مدعی شده که همان مایع زردرنگ خاص را از بازیکنان گرفته و روی خط دروازه می‌ریخته تا دروازه طلسم شود! درباره مربی دیگری گفته شده که قبل از هر بازی دور نیمکت خود آب می‌ریخت و ورد خاصی می‌خواند.

چرا فوتبال ایران؟

برخی کارشناسان دلایل متعددی برای رواج چنین پدیده‌ای در فوتبال ایران ذکر کرده‌اند:

نبود ساختار علمی در مدیریت تیم‌ها

فشار بالای نتیجه‌گیری روی مربیان

باورهای خرافی ریشه‌دار در جامعه

دسترسی آسان به افراد مدعی قدرت‌های ماورایی

البته در سال‌های اخیر با ورود نسل تازه‌ای از مربیان و بازیکنان، استفاده از تحلیل داده‌ها، مشاوره و روانشناسی ورزشی و کار علمی جای بیشتری را از جادو و خرافه گرفته و مربیان و مدیران فهمیده‌اند که برای موفقیت باید تیمی قوی و منسجم براساس علم روز دنیا بسازند.

ورود کمیته اخلاق به ماجرا

از مدتی قبل اعلام شده که کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال بررسی پرونده‌های جادوگری را به‌طور جدی آغاز کرده است. ابتدا تصمیم گرفته شد مسئله رسانه‌ای نشود تا تحقیقات به صورت مخفی پیش رود اما در نهایت اعلام شد فهرستی از جادوگران شناسایی شده، برخی مربیان و بازیکنان به‌عنوان مطلع احضار شده‌اند و حتی حلقه‌های خاص مرتبط با جادوگری در فوتبال شناسایی شده‌اند.

با این‌حال، تجارب گذشته نشان می‌دهد هر بار که این موضوع رسانه‌ای می‌شود، فدراسیون، وزارت ورزش و حتی مجلس به آن ورود می‌کنند اما پس از مدتی همه‌چیز فراموش می‌شود.

جادو واقعا کار می‌کند؟

شاید مهم‌ترین نکته این است که باور به جادو، حتی اگر خود جادو واقعیت نداشته باشد، می‌تواند عملکرد بازیکن و مربی را تحت تأثیر قرار دهد. روانشناسان این پدیده را «پیشگویی خودتحقق‌گر» می‌نامند: اگر بازیکنی باور داشته باشد طلسم شده است، ممکن است تمرکزش را از دست بدهد، اشتباه کند یا دچار اضطراب شود.

از سوی دیگر، گاهی تیم‌هایی که ادعا شده طلسم‌شکنی روی آنها انجام شده، چند بازی موفق دارند. اما تجربه ثابت کرده که در یک فصل طولانی، عوامل فنی، تاکتیکی، بدنسازی و مدیریت تیم است که نتیجه نهایی را رقم می‌زند.

یک بحران فرهنگی

در فیلم «دزد دوچرخه» محصول ۱۹۴۸ ایتالیا ساخته ویتوریو دسیکا، دو صحنه تأثیرگذار وجود دارد. در آغاز فیلم، وقتی آنتونیو برای رفتن سرکار باید دوچرخه‌اش را از گرو دربیاورد، ماریا همسرش قصد دارد به سراغ فالگیر برود تا آینده را ببیند. آنتونیو او را از اتاق فالگیر بیرون می‌آورد چون به خرافات اعتقادی ندارد اما در پایان فیلم و زمانی که دوچرخه‌اش دزدیده شده، خود آنتونیو نیز به سراغ فالگیر می‌رود.

این دو صحنه استعاره‌ای از وضعیت انسان در شرایط بحرانی و غیرقابل کنترل است که ممکن است به هر دستاویزی، حتی چیزی که قبلاً رد کرده، چنگ بزند. این بحران فرهنگی در روزهای سخت پس از جنگ جهانی دوم را به تصویر می‌کشد؛ روزگاری که برخی مردم از روی استیصال به خرافات پناه بردند.

نتیجه‌گیری

جادوگری در فوتبال ایران واقعیتی غیرقابل انکار است. شواهد، روایت‌ها و اعترافات مستقیم از بازیکنان و مربیان نشان می‌دهد این پدیده حتی اگر صرفاً در ذهن افراد باشد، وجود دارد اما تاکنون سند معتبری دال بر آنکه این کارها توانسته‌اند تیم یا افراد را به اهداف فوتبالی برسانند، ارائه نشده است.

اصل اساسی این است که برای فرستادن توپ داخل دروازه یا جلوگیری از آن، نیاز به سرمایه‌گذاری اصولی، امکانات و تمرینات علمی و نیروی انسانی کارآمد است، نه جادوگری.

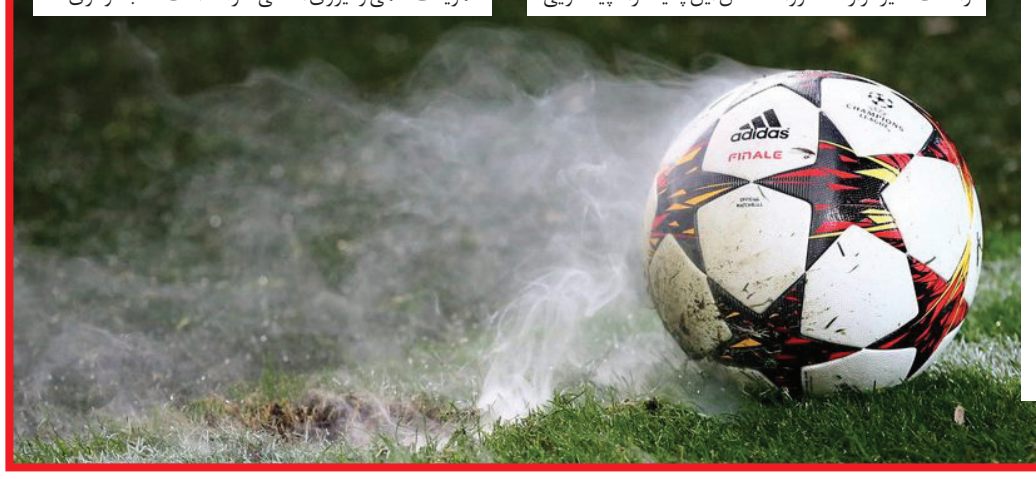

بدون گوشی، بدون عکس، بدون دردسر

قوانین عجیب جشن تولد ۱۸ سالگی یامال

در اقدامی غیرمعمول و خبرساز، لامین یامال، ستاره نوظهور باشگاه بارسلونا، تصمیم دارد جشن تولد ۱۸ سالگی خود را با مقرراتی سخت‌گیرانه برگزار کند. مهم‌ترین قانون این مراسم، ممنوعیت کامل استفاده از تلفن همراه است؛ تصمیمی که برای نسل دیجیتال کمی عجیب به نظر می‌رسد اما پشت آن یک استراتژی حرفه‌ای نهفته است: محافظت از آینده فوتبالی یامال در برابر حاشیه‌ها.

بر اساس گزارش رسانه‌های اسپانیایی، این مراسم برخلاف شایعات اولیه در ایبیزا، در شهر بارسلونا برگزار خواهد شد. فهرست مهمانان شامل چهره‌های سرشناس دنیای موسیقی و ورزش است؛ از جمله دی‌جی بیزاراپ، اوزونا و دوکی.

اما آنچه بیشترین حاشیه را به‌همراه داشته، خبر حضور شمار زیادی از مدل‌ها و مانکن‌هاست. به همین دلیل، ممنوعیت موبایل برای جلوگیری از هرگونه انتشار تصویر یا ویدیو، به ضرورتی جدی تبدیل شده است.

تصمیم یامال به‌نوعی واکنش به حواشی اخیر زندگی شخصی‌اش نیز هست. چندی پیش، تصاویری از او در کنار اینفلوئنسر اسپانیایی «فاتی واسکز» منتشر شد که اختلاف سنی زیادی با او دارد. اگرچه هر دو، هرگونه رابطه‌ای را تکذیب کردند اما این اتفاق زنگ خطری بود برای تیم یامال تا کنترل بیشتری بر اطرافش داشته باشند.

در این تصمیم می‌توان درس‌آموزی از تجربه نیمار را دید؛ ستاره‌ای که به‌خاطر جشن‌ها و روابط جنجالی‌اش بارها در صدر اخبار منفی قرار گرفت.

تیم یامال قصد دارد با ایجاد فضایی کاملاً کنترل‌شده، از مسیر حرفه‌ای او حفاظت کند و نشان دهد که انضباط خارج از زمین، به اندازه مهارت درون میدان اهمیت دارد.

در نهایت، ممنوعیت موبایل تنها یک قانون نیست؛ بلکه پیامی است روشن به رسانه‌ها و هواداران: برای ساختن یک ستاره ماندگار، حفظ حریم خصوصی ضروری است.

حاشیه

بازگشت پسرهای خوب به رادار پرسپولیس

تمایل سرخ‌ها به جذب صادق محرمی و احمد نوراللهی

براساس آنچه سایت «ترانسفرمارکت» گزارش داده، پرسپولیس در ادامه نقل‌وانتقالات این فصل، چشم به دو بازیکن سابق خود دارد؛ دو ستاره‌ای که از چهره‌های کلیدی روزهای طلایی قهرمانی‌های پیاپی سرخ‌پوشان بوده‌اند. در شرایطی که پرسپولیس اردوی آماده‌سازی خود را در ترکیه و زیر نظر وحید هاشمیان، سرمربی جدیدش آغاز کرده، مدیران باشگاه همچنان در تلاش برای جذب چند بازیکن دیگر هستند. بازیکنانی که برخی از آنها گزینه‌های خارجی‌اند اما صحبت‌هایی هم درباره بازگشت دو بازیکن سابق باشگاه مطرح است.

دو پست کلیدی

همانطور که مشخص است، پرسپولیس با نظر و سلیقه مربی پیشین خود، کارتال، جذب بازیکنان را آغاز کرد. در این روند، بیشترین تمرکز روی خرید وینگرها بود؛ آن هم در حالی که تیم از قبل چند وینگر در ترکیب خود داشت. همین موضوع باعث شده بسیاری از کارشناسان اعتقاد داشته باشند که ترکیب پرسپولیس از تعادل تاکتیکی لازم برخوردار نیست. در حال حاضر، سرخ‌ها در برخی پست‌ها، به‌ویژه در دفاع راست و هافبک میانی، با کمبود جدی روبه‌رو هستند.

دو ستاره محبوب

پرسپولیس مدتی است که در تلاش برای بازگرداندن احمد نوراللهی، ستاره سابق خود است. نوراللهی از معدود بازیکنان موفق پست شماره ۸ در فوتبال ایران محسوب می‌شود؛ بازیکنی که به دلایل انضباطی از تیم ملی کنار گذاشته شد. با نزدیک شدن به جام جهانی، او شاید به‌دنبال انگیزه و فشاری باشد که حضور در پرسپولیس می‌تواند برایش ایجاد کند؛ همان اتفاقی که باعث شد پیام نیازمند آرامش سپاهان را رها کند و چالش دروازه‌بانی در پرسپولیس را بپذیرد. اما نوراللهی تنها گزینه نیست. طبق اعلام ترانسفرمارکت، پرسپولیس همچنان در تلاش برای جذب صادق محرمی، مدافع راست سابق خود و بازیکن کنونی دینامو زاگرب است. محرمی که مدتی را با مصدومیت سخت سپری کرده، مدتی پیش به پرسپولیس لینک شده بود اما کارتال تمایلی به جذب او نداشت و ترجیح می‌داد فلورنت هادرجوناى، مدافع کوزوویی را به خدمت بگیرد.

یک جدایی قریب‌الوقوع

بر اساس اعلام این سایت، احتمال پیوستن صادق محرمی به پرسپولیس در حال حاضر ۴۷ درصد و احتمال بازگشت احمد نوراللهی ۳۴ درصد برآورد شده است. اما نکته مهم‌تر به یک جدایی نزدیک مربوط می‌شود؛ الکسیس گوندوز، دروازه‌بان الجزایری پرسپولیس، در آستانه بازگشت به کشورش و پیوستن به باشگاه مولودیه الجزایر قرار دارد. با وجود داشتن قرارداد، بعید به‌نظر می‌رسد که او دوباره به ایران بازگردد؛ به‌ویژه با حضور پیام نیازمند درون دروازه و جایگزینی وحید هاشمیان به‌جای سرمربی ترک‌تبار پیشین. همه این عوامل کفه ترازو را به نفع نیازمند سنگین‌تر می‌کند.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

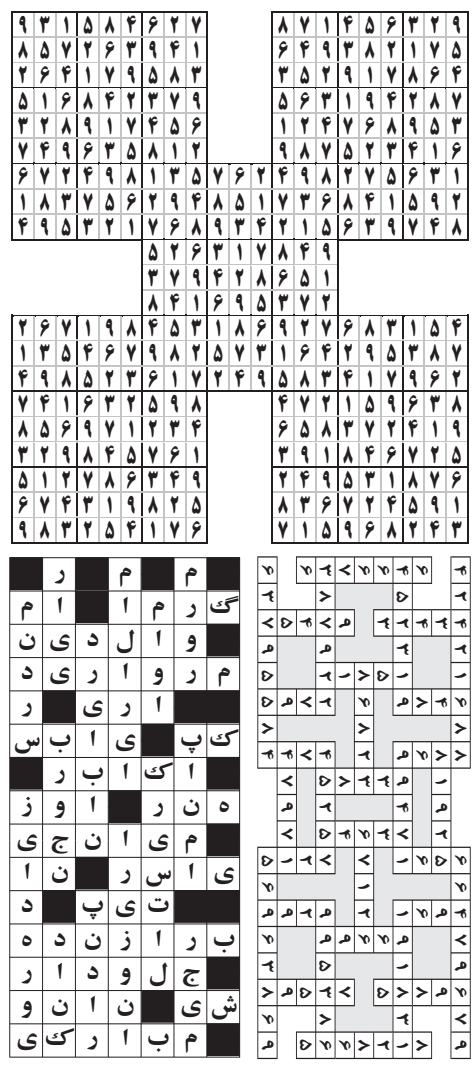

عددیابی

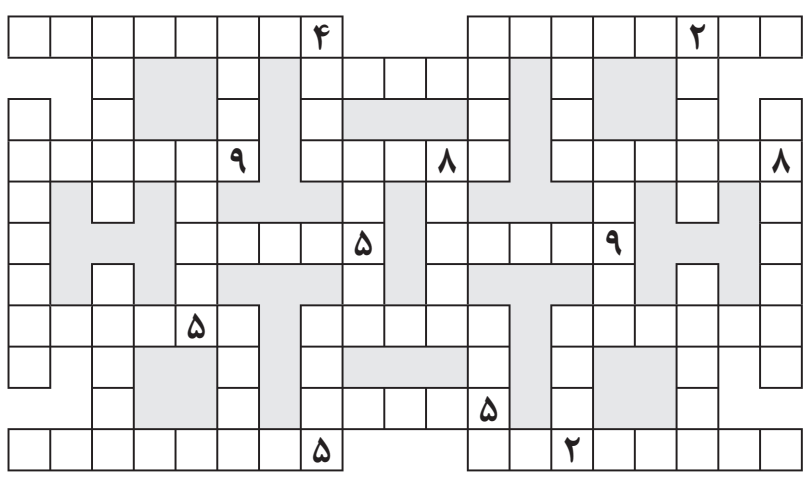

توضیح

اعدادی که بر اساس تعداد رقم دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای اعداد را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ رقمی: ۱۳۵۵ ، ۱۷۵۵ ، ۳۳۴۹ ، ۳۵۷۳ ، ۳۸۷۲ ، ۴۳۹۷ ، ۴۴۴۳ ، ۵۴۷۴

۵ رقمی: ۱۱۲۷۱ ، ۱۸۶۷۱ ، ۲۳۵۵۲ ، ۲۷۹۴۵ ، ۲۹۲۵۵ ، ۳۵۶۵۵ ، ۴۲۹۳۱ ، ۴۳۳۳۹ ، ۵۷۹۷۵

۶ رقمی: ۳۴۳۱۱۵ ، ۳۸۶۵۷۸ ، ۵۲۲۲۵۵ ، ۷۷۶۸۲۹

۷۹۴۸۳ ، ۸۱۴۸۷ ، ۸۱۹۲۴ ، ۸۸۴۶۴ ، ۹۱۵۵۸

۷ رقمی: ۱۷۳۸۵۵۳ ، ۷۸۲۹۶۵۵

۸ رقمی: ۱۲۱۱۸۴۹۵ ، ۳۶۴۱۵۲۳۶ ، ۵۳۲۳۲۱۸۸ ، ۵۵۸۴۸۳۷۴

جدول کلمات متقاطع

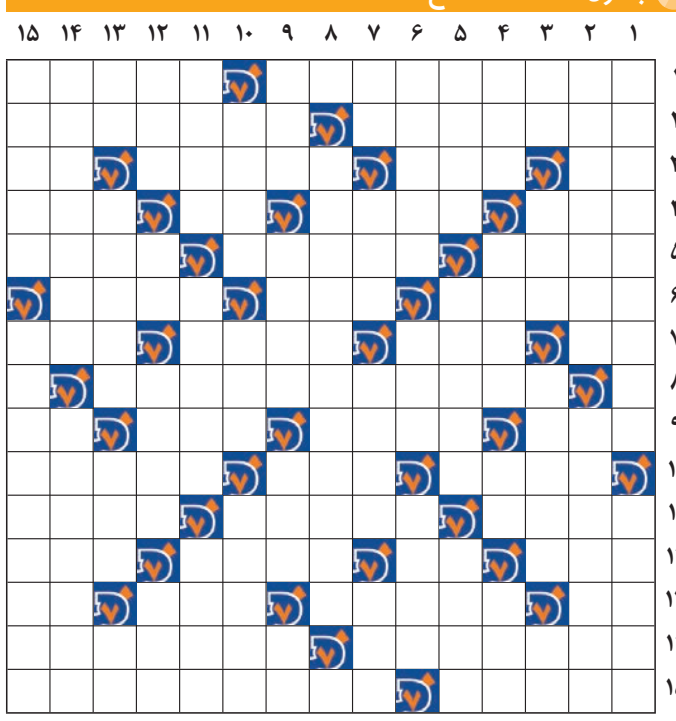

افقی

۱- پرت- سرطان خون
۲- کنایه از معشوق- یک کشور محصور در خشکی و دولت‌شهری مستقل است که در درون شهر رم در کشور ایتالیا جای دارد
۳- گل سرخ- از میوه‌ها- کش بافت- پروردگار
۴- بدتر- آشکارا- حرف تردید- گریز پای
۵- دهنه اسب- خراب- پیروی
۶- مارکی بر لوازم برقی- از حروف الفبای فارسی- صبح زود
۷- پایمال شده- پسوند آلودگی- مشکین شهر سابق- روز جشن
۸- دقت و موشکافی
۹- قوم کهن ایرانی- سخن چین- فرزندان- زینت رو
۱۰- خانه ییلاقی- پشم شتر- پیاپی بودن
۱۱- سنگ زینتی ساختمان- معبد مسیحیان- برجای گذاشتن
۱۲- پسوند محافظ- لبه شمشیر- ادویه هندی- پیاله و ساغر
۱۳- خاک سرخ- آش زیره- برادر- حرف نداری
۱۴- وضعیت شلوغ و آشفته- از طوائف آذری
۱۵- پست و فرومایه- پادشاه ساسانی

عمودی

۱- شهری در تانزانیا- با دلیل و برهان
۲- استادیوم- اروپا و آسیا را گویند
۳- نشانه مفعولی- طویل‌ترین استخوان بدن- نامبارک و شوم- گریز آهو
۴- دیروز عرب- گل دندان نشین- قومی در ایران- قوی و نیرومند
۵- موجب رنج و اندوه بسیار- بندر بلغاری- لامپ الکترونی دو قطبی
۶- پرده نقاشی- نوعی بستنی- نوعی اسلحه
۷- لحظه- نصف- وسیله انتقال برق- تیز و بُرنده
۸- اثری از آندره موروا
۹- خورشید و آفتاب- امانتدار- حدیث معروف نبوی- از ضمایر مفرد
۱۰- رسم و سنت- نزاکت- بزک
۱۱- قایق روسی- واحد اندازه گیری در حروف‌چینی- گوشت آبگوشتی
۱۲- چشم انداز فرنگی- تاخت به دشمن- رسا- پسوند دارندگی
۱۳- یک ماده جامد پُر کربن است که در فشار و حرارت بالا بر اثر تقطیر آهسته زغال‌سنگ تشکیل می‌شود.- از سبک‌های شعر- جیوه- جدید
۱۴- از آبزیان- در عوض
۱۵- چشمه- تزئینات داخلی ساختمان

جدول شرح در متن

سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

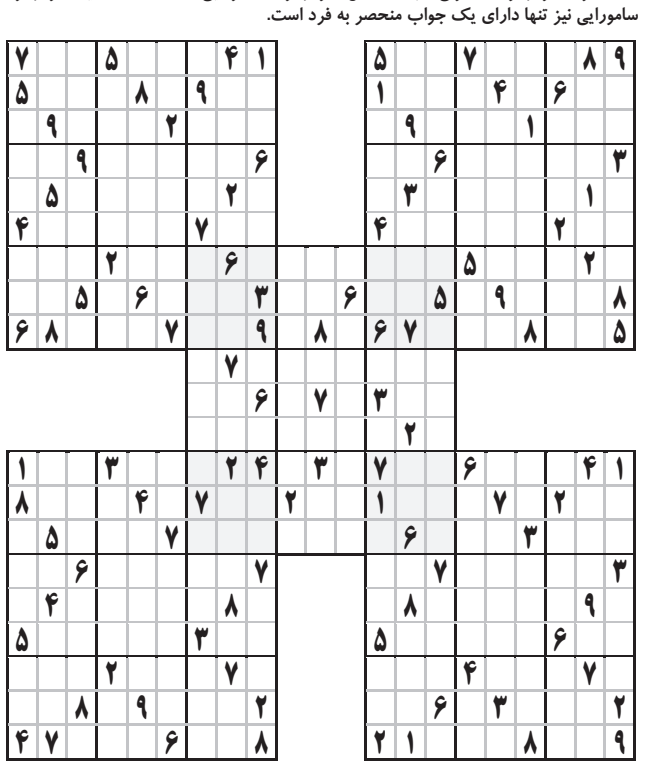

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
زیر نظر: شورای سردبیری
مدیر هنری: وحید غفاری
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور
دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی
دبیر صفحه آخر: کیوان وارثی
ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۳:۱۱ | طلوع آفتاب: ۰۴:۵۶ | اذان ظهر: ۱۲:۰۹ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۲ | اذان مغرب: ۱۹:۴۳

دست نوشته‌های هشت شب

مجاور بازار وکیل؛ جایی بری سیر حکمت

آیدا زمانی
هفت صبح

درست پشت دیوار بازار وکیل، جدا از هیاهو و گفت‌وگوهای روزمره آرامگاه محقرانه زاهد بزرگیست که همچون نام زاهدش از یاد رفته اما هویت‌بخش است.

وقتی که در شیراز قدم‌می‌گذارید و از ارگ کریمخان زند یا دیوان‌خانه، مقر حکمرانی پادشاهان زندی، بازدید می‌کنید، احتمالا اگر راه را کمی گم کنید به زمین‌های بلاتکلیفی می‌رسید. وجود تخته سنگ‌های تراشیده اما رها شده در آن فضا که حال بعضا «پارکینگ» می‌نامندش یادآور پیشینه این منطقه است. گویا پیش از حیات بناهای سلسله زندیه، اموات در اینجا آرام می‌گرفتند. تداوم پیمایش زمین‌های بلاتکلیف شما را با دیوار پشتی بازار وکیل روبه رو می‌کند گویی میان شما و جهانیان حائلی بگذارند. اما در همان همسایگی ساختمانی واقع است که جز درختان سرکشیده از دیوارهایش چیزی پیدا نیست. اینجا کتابخانه از یاد رفته‌ایست که یک زاهد در آن آرمیده.

روایت است وکیل الرعایا، اولین و مهم‌ترین پادشاه سلسله زندیه به هنگام احداث بناهای پایتخت از قصد بازار وکیل را کمی آن طرف‌تر طوری که در حریم مزار شیخ عبدالله خفیف نباشد، کنگ زد. شیخ عبدالله خفیف یا به طور دقیق‌تر ابوالعبدالله محمدبن خفیف شیرازی معروف به شیخ کبیر از عارفان برجسته قرن چهارم هجری قمری است که از پیشگامان تصوف و علوم شریعت در ایران از او یاد می‌شود. اگرچه از شیخ عبدالله خفیف تالیف مستقلی برجای نمانده در آثار برخی از صوفیان بزرگ مانند قشیری و هجویری از او به احترام یاد می‌کنند.

آرامگاه او که حالا دهه‌هاست در شمایل کتابخانه‌ای کوچک همراه با درختانی کهنسال تداوم حیات می‌دهد، بعد دیگری از هویت شیراز را روایت می‌کند. روایتی که آنقدر آرام و زاهدانه گوشه شیراز جای گرفته که تقریبا در میانه دیگر روایت‌ها فراموش شده‌است و تنها ساکنان محلی گهگاه گذرشان به آن می‌خورد.

شاید بد نباشد وقتی که از شلوغی بازار وکیل و کاسبان آن گذر کردید، در حمام وکیل با روزمرگی مردمان دیروز آشنا شدید، شدت زور قوه قهریه زمانه را در ارگ کریمخان و دیوان‌خانه احساس کردید؛ با طی کردن زمین‌های بلاتکلیف در حیاط کتابخانه روی نیمکت‌های زهوار در رفته زیر سایه درخت‌ها یا کنار مزار زاهد زیر آن طاق کهنه برای لحظاتی تنفس کنید. کتابخانه شیخ عبدالله خفیف شاید همان چشم توفان هیاهوی زندگی باشد که می‌توان در آن برای لحظاتی آرام گرفت و سیر حکمت خواند.

سخن تصویری

طرح: کیوان وارثی

خاطره تصویری — پنجشنبه ۱۵ دی ۱۳۷۳

گل آقا

خاطره نوشتاری — پنجشنبه ۲ آبان ۱۳۷۰

گل آقا

اتومبیل دولتی!

قرار است کمیته ای برای بررسی نحوه استفاده از خودروهای دولتی در شورای معاونان اداری و مالی وزارتخانه ها تشکیل شود که شنیدن این خبر برای عموم استفاده کنندگان غیر مجاز از وسایط نقلیه دولتی خبری خوب و مسرت بخش است و به آنان اطمینان می‌دهد که منبعد می‌توانند با خیال آسوده‌تر زن و بچه هایشان را سوار خودروهای مزبور کنند و در داخل و خارج شهر بگردانند! زیرا تا این کمیته تشکیل شود و رأی گیری کند، و سپس کمیتهٔ دیگری بر کار این کمیته نظارت داشته باشد و سپس هر دو کمیته زیر پوشش کمیته دیگری قرار گیرند خلاصه کارها به کمیته های متعدد واگذار شود استفاده کنندگان محترم با خوشی و سلامت به افتخار بازنشستگی نایل آمده‌اند و دیگر اتومبیل دولتی در اختیار ندارند که از آن سوء استفاده بکنند یا نکنند!

مبارزه !

باز که عجله کردی؟ مبارزه ای که امروز با تورم می‌شود مبارزه ای نیست که آثارش را همین امروز و فردا ببینی! لااقل باید ۵ سالی صبر کنی.

گفتی ۵ سال دیگر؟! حالا اگر ۵ سال دیگر تورم مهار نشد چی؟! آن روز بایدیقه کی را بچسبیم و پیش کی از تورم شکوه و شکایت کنیم؟!

تو بهتر می‌دانی یا استاندار لرستان؟ عین فرمایش ایشان را در نخستین گردهمایی مسئولان این استان از روزنامه جمهوری اسلامی می‌خوانم تا بفهمی حرف حسابی یعنی چی؟!

وی یعنی استاندار! - همچنین با اعلام پشتیبانی از سیاست‌های دولت در کنترل تورم گفت خوشبختانه در این زمینه دولت موفق بوده ولی این مسئله طوری نمی باشد که اثرات آن را مردم به‌زودی مشاهده کنند. چرا که اثرات آن در پنج سال آینده مشخص خواهد شد و آنگاه مردم خواهند دید که دولت چه خدمات بزرگی برای مردم انجام داده است.»

که این طور؟ پس چگونه آثار تورم یک شبه معلوم می‌شود ولی معلوم شدن آثار اقدامات ضد تورمی ۵ سال زمان می خواهد؟!

اخیال میکنی کنترل تورم همین طور کشکی است که آثارش ظرف یکی دو سال معلوم شود؟ تو عجالتاً ۵ سال صبر کن اگر اثرات کنترل تورم معلوم شد که شد اگرنشد ۵ سال دیگر صبر کن ببین چه طور می‌شود و همین طور ۵ سال ۵ سال برو جلو، زیرا تورمی که از زمان ایران باستان شروع شده و تا به امروز ادامه یافته، یک شبه ایجاد نشده است که یک شبه حل شود.

کاریکلماتور

برای گربه تحقیر آمیز است که با مرگ موش خودکشی کند.

پرویز شاپور

طراحان و آثار ماندگار

استورم تورگرسن؛ خالق تصاویر ماندگار پینک فلوید

مریم برادران
هفت صبح

در دنیای موسیقی، طراحی کاور آلبوم‌ها نقشی فراتر از تزئین دارد. این تصاویر، هویت بصری آثار را شکل می‌دهند و بخشی از تجربه شنیداری را می‌سازند. در میان طراحان تأثیرگذار این عرصه، نام استورم تورگرسن (Storm Thorgerson) با آثار گروه بریتانیایی Pink Floyd گره خورده است.

استورم تورگرسن، متولد ۱۹۴۴ در انگلستان، یکی از اعضای گروه طراحی گرافیک Hipgnosis بود. این گروه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با موسیقیدانان بزرگ همکاری داشت، اما همکاری نزدیک تورگرسن با پینک فلوید جایگاهی خاص برای او رقم زد.

مهم‌ترین و ماندگارترین اثر او، کاور آلبوم The Dark Side of the Moon (۱۹۷۳) است؛ تصویری ساده اما مفهومی از یک منشور نور که به یکی از نمادین‌ترین طراحی‌ها در تاریخ موسیقی تبدیل شد. این تصویر نه‌تنها هویت بصری پینک فلوید را ساخت، بلکه ذهن مخاطبان را به درون مفاهیم عمیق آلبوم سوق داد.

تورگرسن با سبک سورئال، مفهومی و عکس‌محور شناخته می‌شد. برخلاف بسیاری از طراحان، او از تکنیک‌های فتومونتاژ دیجیتال استفاده نمی‌کرد؛ بلکه صحنه‌هایی واقعی می‌ساخت و از آن‌ها عکاسی می‌کرد. برای مثال، در کاور آلبوم A Momentary Lapse of Reason (۱۹۸۷)، صدها تخت بیمارستان را در کنار ساحل چیدند تا حس وهم، خاطره و انزوا را القا کنند.

از دیگر آثار برجسته او می‌توان به کاور آلبوم Wish You Were Here (۱۹۷۵) اشاره کرد؛ تصویری از دو مرد در حال دست دادن که یکی از آن‌ها در آتش می‌سوزد. این تصویر نمادینی از نفاق و سردی روابط انسانی در دنیای تجارت موسیقی است.

استورم تورگرسن در سال ۲۰۱۳ درگذشت، اما آثارش همچنان الهام‌بخش طراحان و دوستداران موسیقی در سراسر جهان باقی مانده‌اند. او نشان داد که تصویر می‌تواند مانند موسیقی، عمیق، مفهومی و فراموش‌نشدنی باشد.

نبض دیجیتال

شخصی‌سازی یا کنترل پنهان؟

ستایش شیخ‌ویسی
هفت صبح

یکی از نشانه‌های پیشرفت بازاریابی دیجیتال در سال‌های اخیر، توانایی پلتفرم‌ها و برندها در ارائه تجربه‌ای «شخصی‌سازی‌شده» برای هر کاربر بوده است. از محتوایی که در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم تا ایمیل‌هایی که دریافت می‌کنیم، اغلب با پیام‌هایی مواجه می‌شویم که به‌طور عجیبی با علایق، نیازها و حتی زمان و موقعیت ما هماهنگ‌اند. در نگاه اول، این سطح از هماهنگی تحسین‌برانگیز است. کاربر احساس می‌کند دیده می‌شود، درک می‌شود و به او احترام گذاشته شده است. اما همین احساس اگر بیش از اندازه تکرار شود، ممکن است جای خود را به تردید دهد: چگونه این برند یا پلتفرم تا این حد از ترجیحات من آگاه است؟

و آیا این آگاهی صرفاً در خدمت تجربه بهتر من است، یا هدفی فراتر از آن را دنبال می‌کند؟

شخصی‌سازی، اگرچه با نیت بهبود تجربه کاربر آغاز شده، اما در برخی موارد به مرزهایی نزدیک می‌شود که بیش از آن‌که بر پایه درک و احترام به مخاطب باشد، مبتنی بر هدایت رفتار و انتخاب‌های اوست. زمانی که سیستم‌ها بر اساس الگوهای رفتاری گذشته، تنها همان نوع محتوا را بارها و بارها به ما نمایش می‌دهند، به‌تدریج دایره انتخاب و کشف ما محدود می‌شود. این مسئله پرسشی بنیادین را پیش روی ما قرار می‌دهد: آیا ما هنوز انتخاب‌گر واقعی در فضای دیجیتال هستیم، یا تنها در چارچوبی حرکت می‌کنیم که به‌دقت برای‌مان طراحی شده است؟

پاسخ این پرسش آسان نیست. اما آن‌چه مسلم است، آن‌که در عصر الگوریتم‌ها و داده‌محوری، شخصی‌سازی اگر بدون شفافیت، اخلاق و حق انتخاب انجام شود، می‌تواند به‌جای خدمت به کاربر، به ابزاری برای جهت‌دهی پنهان بدل شود. در آینده‌ای نه‌چندان دور و در سالیان آینده، تفاوت میان برندهای قابل اعتماد و برندهای فرصت‌طلب، نه در فناوری‌هایی که به‌کار می‌برند، بلکه در نحوه استفاده از این فناوری‌ها خواهد بود و این می‌تواند برای مخاطبان تاثیرگذار باشد.

یک بلیت، هزار خاطره

روایتی برای یک دختر نابینا

کامبیز رحمانی فر
هفت صبح

از همان لحظه اول که نشستم، فهمیدم چیز متفاوتی قرار است اتفاق بیفتد. نه از روی فیلم، از روی صدایی که چند صندلی جلوتر به گوشم رسید. آهسته، شمرده، پرحوصله:

- الان... یه خونه کوچیکه. از اون قدیمی‌ها که حیاط دارن، دیوارای سبز، پنجره‌های چوبی...

خم شدم و نگاه کردم. دختری نوجوان، لاغر و آرام، با چشمانی بسته نشسته بود. یا شاید، همان‌طور که بعدتر فهمیدم، نابینا بود. کنارش پسری نشسته بود. شاید برادرش. موهایی ژولیده و چهره‌ای از جنس مسئولیت. دختر به پرده نگاه نمی‌کرد. نمی‌توانست، ولی با تمام وجود می‌خواست بداند.

پسر ادامه داد:

- الان داره روی ایوون می‌شینه، پاهاش آویزونه... یه گربه کنارشه... خورشید افتاده پشت درختا...

دختر نفسش را آهسته بیرون داد. لب‌هایش کمی از هم باز شدند، ابروهایش بالا رفتند. انگار نور غروب از پشت پلک‌های بسته‌اش گذشته باشد.

فیلم پیش رفت، آهسته، شاعرانه. از آن‌هایی که بیشتر از آنکه داستان بگویند، حس می‌دهند، همراه با موسیقی پیانو و صداهایی ملایم. صدای موسیقی که بالا می‌رفت، سرش را کمی بالا می‌آورد و پسر گاهی از تصویر می‌گفت، گاهی از حس بازیگر، گاهی فقط سکوت می‌کرد تا موسیقی خودش حرف بزند و اطراف آن‌ها، سالن سینما کم‌کم زنده شد.

زن جوانی در ردیف کناری گفت:

- الان توی خونه راه می‌ره... با دستش، دیوارو لمس می‌کنه، همون‌جایی که بچگی‌ها قدشو علامت زده بودن...

دختر زیر لب گفت: «چه حسیه...»

پیرمردی در ردیف جلو، آرام گفت:

- لباس تن مادرش گل‌گلیه... پر از طراوت و تازگی... یه جوری شبیه بوی خاک بعد بارونه...

خنده بی‌صدای دختر در تاریکی پیچید. نه بلند. از آن‌هایی که در گوش آدم می‌ماند. سرش را جلو برد و گفت:

- خیلی قشنگ گفتین...

مردی دیگر با صدای خش‌دار و گرمش زمزمه کرد:

- حالا داره نگاهش می‌کنه... نه با چشم، با دل... انگار می‌دونه شاید آخرین باره...

صدای پیانو بالا گرفت. زن روی پرده کنار پنجره ایستاده بود، باران می‌بارید، و نور آبی ملایمی تمام تصویر را گرفته بود. یکی از تماشاگرها گفت:

- پرده پر شده از قطره‌های بارون، نور لابه‌لای قطرات می‌درخشه... شبیه وقتی که بغض داری ولی نمی‌خوای گریه کنی...

دختر پلک‌هایش را فشار داد. دستش را روی قلبش گذاشت. گفت:

- انگار بارونو توی قلبم حس کردم...

تا پایان فیلم، صدای آرام چند نفر از اطراف، مثل نسیم، در گوش دختر می‌پیچید.

دختر مثل کسی که تصویر را در ذهنش قاب گرفته باشد، لبخند زد و زمزمه کرد: من همه‌شو دیدم... همه‌شو، باور کنین...

من، آن‌جا، در صندلی‌ام خشک شده بودم. نه به خاطر فیلم. به خاطر چیزی که بیرون از پرده در جریان بود. همهمه‌ای نرم و دل‌نشین از صداهایی که جمع شده بودند تا برای دختری نابینا، جهانی قابل دیدن بسازند. زن کناری دستش را روی شانه دختر گذاشت.

با بالا آمدن تیتراژ، کسی چیزی نگفت. همه در سکوت بودند. سکوتی که حرف داشت.

دختر برگشت، دست برادرش را گرفت. گفت:

- من همه‌شو دیدم... همه‌شو...

صدای خنده ریز چند نفر در تاریکی پیچید. زن کناری گفت:

- ما هم انگار جور دیگه‌ای دیدیمش.

چراغ‌ها روشن شد، آدم‌ها آرام از جایشان بلند شدند. نگاه‌ها رد و بدل شد. لبخندهایی که بوی آشنایی می‌داد. دختر ایستاد، دست برادرش را گرفت و وقتی از سالن بیرون رفتند، رد صداها هنوز در هوا مانده بود. صداهایی که برای دختری نابینا، تصویری روشن از زندگی ساخته بودند.

از جایم بلند شدم و فکر کردم شاید سینما فقط یک پرده سفید نیست. گاهی آدم‌ها، با صدا، با دل، با همدلی، فیلمی دیگر می‌سازند. فیلمی که فقط یک نفر نمی‌بیند.

تصویر فرنگی

طرح: ایگور اسمیرنوف، کشور روسیه